



شماره ۹۱۶، ۲۱ اسفند ماه ۱۳۹۱
دوره هشتم، سال بیست و هفتم

برنامه نوین حزب توده ایران مصوب ششمین کنگره منتشر شد

”...حزب توده ایران، برنامه خود را که بازتاب شرایط رشد اجتماعی-اقتصادی کشور، و آرمان‌های ملی و دموکراتیک توده‌های وسیع خلق در مرحله مشخص تاریخی کنونی است، عرضه می‌دارد. حزب توده ایران، همه اعضا و هواداران خود، همه قشرهای زحمتکش و مترقی جامعه، به ویژه و در درجه اول طبقه کارگر و متحدانش، دهقانان تهیدست، کارمندان، پیشه‌وران جزء، روشنفکران ترقی‌خواه و میهن‌دوست را فرا می‌خواند تا در راه عملی کردن این برنامه، به منظور دستیابی به آزادی واقعی، استقلال، صلح، و عدالت اجتماعی، و همچنین گشودن مسیر حرکت به سمت جامعه‌ی نوین و دموکراتیک، به سمت سوسیالیسم، جامعه‌ی عاری از بهره‌کشی فرد از فرد، تلاش ورزند.“

برنامه نوین حزب توده ایران



برای تحول‌های بنیادین و دموکراتیک،
دستیابی به آزادی، صلح، استقلال، و عدالت اجتماعی در ایران
(مصوب ششمین کنگره حزب توده ایران، ۲۱ اسفند ۱۳۹۱)



در سوگ رهبر خلقی زحمتکشان و نروئلا



ادامه در صفحه ۱۳

پیام های ششمین کنگره
حزب به:

* جوانان و دانشجویان

مبارز میهن

* خلق های زیر ستم و

آزادی خواه

* روزنامه نگاران،

نویسندگان و هنرمندان

در صفحات ۷ و ۸

برنامه نوین حزب توده ایران: گذر از دیکتاتوری به دموکراسی، و نقشه راه آن

حزب توده ایران، چراغ قرمز و علامت ورود ممنوعی است در برابر بخش‌هایی از اپوزیسیون رژیم که برنامه‌های‌شان را بر اساس امکان‌های مالی، سیاسی، و نظامی ایالات متحده، اتحادیه اروپا، و صاف کردن جاده دخالت‌های سیاسی، اقتصادی، و نظامی‌ای از نوع ”بشر دوستانه“ آن و ”پروژه‌های آلترناتیوسازی“ پیوند زده‌اند. برنامه نوین حزب، صراحت بخشیدن به این حقیقت است که، نیروهای مترقی، ملی، و میهن‌دوست، در مبارزه‌شان با رژیم ولایی می‌توانند و باید بدیل دیگری که حق حاکمیت ملی، دموکراسی، و عدالت اجتماعی را بدون دخالت از خارج به‌منظور تحمیل حکومتی وابسته و وام‌دار امپریالیسم - چه از نوع سلطنتی و چه از نوع ”مجاهد“ آن - در برنامه خود بگنجانند. حزب توده ایران با تصویب و ارائه ”برنامه نوین“، مصوب کنگره ششم، بار دیگر با جسارت و به صورتی شفاف اعلام می‌کند که، حزب ما با محوری قرار دادن منافع مادی و معنوی زحمتکشان و بالا بردن نقش سیاسی طبقه کارگر، در راستای بنیاد نهادن دموکراسی، استقرار عدالت اجتماعی، و دفاع از منافع ملی در برابر تهدید از خارج، به مبارزه اش ادامه می‌دهد. حزب توده ایران با صراحت به مسئله خلق‌های ایران برخورد می‌کند، و آن را یکی از مسئله‌های مهم فراروی خود می‌داند. در این ارتباط، پیشنهاد به کارگیری شکل حکومت فدرال، نفی مرکزیت‌گرایی سرکوب‌گرانه، و امکان‌پذیر ساختن اجرای تصمیم‌های اقتصادی-

تصویب برنامه نوین حزب توده ایران، که نزدیک به ۲ سال در معرض دید و نظردهی وسیع افکار عمومی و جنبش کارگری میهن‌مان قرار داشت، با رای اکثریت شرکت کنندگان کنگره ششم (پهمن ماه ۱۳۹۱)، گامی بسیار مهم و موفقیت‌آمیز در تاریخ مبارزه حزب در مسیر تغییرهای ترقی خواهانه کشورمان است. می‌توان گفت که، تصویب برنامه نوین پیامی صریح و قاطع به مخالفان تحول‌های بنیادین در میهن ما، و در راس آنان سران رژیم دیکتاتوری ولایی، و نیز نمایان‌گر آن است که حزب توده ایران زنده است و به مبارزه پیگیر خود برای گذر از استبداد به دموکراسی ادامه می‌دهد. همین‌طور می‌توان گفت که، برنامه کنگره ششم جواب دندان شکنی است به محفل‌های ارتجاعی، امپریالیستی، و همراهان آن‌ها در ایران، که در طول ۷ دهه گذشته در جهت سرکوب و حذف حزب توده ایران برنامه‌ریزی و عمل کرده‌اند. برنامه نوین حزب ما، با ارائه درکی صحیح و امروزی از شرایط واقعی ایران و جهان و نیروهای عمل‌کننده در آن، به موازات برجسته کردن نقش میهن‌پرستانه حزب توده ایران در حیات سیاسی میهن و تعهد خدشه‌ناپذیرش به استقلال و حق حاکمیت ملی، پیام صلح‌جویانه و ترقی‌خواهانه زحمتکشان ایران، مبنی بر ضرورت برقراری روابط مثبت بین‌المللی با همه کشورهای جهان بر اساس احترام و همکاری سازنده، را می‌رساند و بر آن تاکید می‌ورزد. سند برنامه

ادامه در صفحه ۶

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم ”ولایت فقیه“!



در خصوص زنان کارگر اشاره به این نکته مهم خالی از فایده نیست که اغلب کارگران زن در واحدهای تولیدی کوچک و متوسط مشغول به کار هستند و طبق تاکید مدیرعامل سازمان صنایع کوچک و شهرک های صنعتی ایران، پس از ادغام وزارتخانه صنایع و بازرگانی و مسئولیت این سازمان صنایع کوچک و شهرک های صنعتی بیشتر

شده و امروزه سازمان مذکور متولی ۹۷ درصد از اشتغال تولیدی کشور است. [نگاه کنید به خبرگزاری مهر ۲۴ آبان ماه ۱۳۹۰] بنابراین با صراحت می توان گفت اکثریت مطلق زنان کارگر کشور علاوه بر آنکه از یک تبعیض جنسیتی فرساینده در محیط های کاری رنج می برند و از حقوق اولیه خود نظیر حق انتخاب پوشش محروم هستند، دستمزدی کمتر از کارگران مرد دریافت می کنند و در نتیجه نخستین قربانیان فقر و سقوط سطح زندگی به شمار می آیند. به این مسایل باید اصلاح قانون کار و تامین اجتماعی رانیز بی افزاییم. فراموش نکنیم یکی از طرح هایی که توسط دولت ضدملی احمدی نژاد به اجرا درآمده، طرح احیای نظام منسوخ استاد - شاگردی است که بیش از ۳۰ درصد از کارگران فعال در بخش صنوف را به پنهان آن به صورت کارآموز با حقوقی کمتر از قبل به کار وادار می کند. بخش قابل توجه و بزرگی از این به اصطلاح "کارآموزان" زنان کارگر شاغل در صنفاهایی نظیر خیاطی، بافنده سوزنی و نظایر آن هستند. علاوه بر زنان کارگر با دستمزد کمتر از مصوبه های شورای عالی کار آسیب پذیرترین گروه زحمتکش به شمار می آیند که با کاهش ۵۰ درصدی ارزش پول ملی در ماه های اخیر بیش از سایر کارگران شاهد کاهش قدرت خرید خود و خانواده هایشان بوده و هستند.

با آنچه مورد اشاره قرار گرفت می توان دریافت زنان کارگر به دلایل کاملاً مشخص از ظرفیت بالایی برای سازماندهی و ابراز مخالفت سازمان یافته با سیاست های ضدمردمی اقتصادی - اجتماعی برخوردار می باشند. زنان کارگر به دلیل وجود قوانین قرون وسطایی و زن ستیز ضمن آنکه از تبعیض جنسیتی در محیط های کار رنج می برند، از نقطه نظر منافع صنفی و طبقاتی نیز از محروم ترین لایه های جامعه محسوب می شوند. از این رو زمینه های لازم برای مشارکت هر چه فعال تر در جنبش زنان و نیز جنبش سندیکایی را دارا هستند. می باید با طرح و دفاع از منافع، حقوق و خواسته های زنان کارگر بستر مناسب را برای جلب و جذب آنها فراهم ساخت. حضور فعال زنان کارگر در کارزار گسترده علیه سیاست های زن ستیز و تبعیض آمیز رژیم ولایت فقیه سبب توانمندی کیفی جنبش زنان و افزایش قدرت مانور آن خصوصاً در مقطع زمان فعلی خواهد شد. در اوضاع حساس کنونی میهن ما و بانظری به صحنه سیاسی آن می توان به اهمیت این موضوع پی برد. از آنجا که بازسازی بدنه اجتماعی جنبش و تقویت حضور توده ها در میدان مبارزه یک اولویت اصلی قلمداد می گردد، در نتیجه تقویت جایگاه جنبش زنان به عنوان گردان تاثیرگذار و مهم جنبش مردمی سراسری علیه استبداد و ارتجاع و مداخله خارجی امری اجتناب ناپذیر است. این مهم نیز جز با مشارکت فعال و متشکل زنان طبقه های محروم به ویژه زنان کارگر امکان پذیر نیست.

جنبش زنان می تواند و باید علی رغم وضعیت کنونی باردیگر به عامل موثر در معادلات سیاسی و جنبش مردمی بدل شود. حضور زنان کارگر در جهت و به سود این نقش آفرینی است!

جنبش زنان، مبارزه علیه تبعیض جنسیتی - طبقاتی، و منافع زنان کارگر

هنگام بحث و بررسی جنبه های گوناگون مبارزه جنبش زنان کشور علیه سیاست های ارتجاعی رژیم و برای رفع تبعیض جنسیتی، شناخت از نقش و جایگاه زنان طبقه های محروم جامعه به ویژه زنان کارگر در این مبارزه از اهمیت جدی برخوردار است.

در سالیان اخیر ارتجاع حاکم با اتخاذ سیاستی معین کوشیده است علاوه بر سرکوب فعالین جنبش زنان با طرح، تصویب و اجرای برخی لویح و قوانین جایگاه زنان در جامعه را تضعیف و کم رنگ سازد. مجموعه سیاست هایی که در قالب طرح هایی نظیر "دوری کاری"، "کاهش ساعت کاری بانوان"، "بازنشستگی زنان شاغل باهر میزان سابقه کار" و از این قبیل، به اجرا درآمده اند در درجه نخست هدف کاستن از نقش اجتماعی زنان را تعقیب می کرده اند. بی جهت نبود، مسئولان ریز و درشت رژیم ولایت فقیه بارها از "اصلاح نگرش حضور زنان در فعالیت های اجتماعی" سخن به میان آورده و می آورند.

طی ماه های اخیر در حالی که فعالین جنبش زنان و جنبش کارگری - سندیکایی موجود کشور به اشکال مختلف با طرح "کاهش ساعت کاری بانوان" و برنامه "دورکاری" مخالفت می کردند و بر تقویت نقش زنان در مشاغل گوناگون تاکید می ورزیدند، مشاور وزیر وقت تعاون، کار و امور اجتماعی با صراحت یادآوری کرده بود: "اشتغال زنان در دهه های اخیر ضمن اینکه از اهمیت ویژه ای در کسب زندگی جدید برخوردار بوده اما از چالش های پیش رو هم به حساب می آید... نقش زنان در فرهنگ اقتصاد و بحث اشتغالات خانگی بسیار موثر و کارآمد است، حضور زنان در فعالیت های اجتماعی و به خصوص مباحث اقتصادی نیازمند اصلاح نگرش موجود است و باید مطابق با فرهنگ اسلامی شود. کسب و کارهای خانگی سابقه دیرینه ای دارد... مشاغل خانگی با توجه به سهم بالای زنانی می تواند مورد بهره برداری قرار گیرد". [خبرگزاری فارس ۲۹ مهرماه ۱۳۹۱] این گونه طرح ها در شرایطی به اجرا درمی آیند که میهن ما بر اثر پیاده سازی نسخه های اقتصادی - اجتماعی دیکته شده از سوی صندوق بین المللی پول و بانک جهانی مانند برنامه هدفمندی یارانه ها و خصوصی سازی صنایع با چالش های جدی رو به رو است و افزایش نرخ تورم، رشد بیکاری و سقوط سطح زندگی مزدبگیران اوضاع ناگواری را رقم زده است.

در چنین وضعیتی عوامل معینی به گسترش پدیده فقر به ویژه در میان زنان طبقه های محروم جامعه دامن زده اند. زنان کارگر و زندگی و گذران آنها نمونه ای گویا از تشدید فاصله طبقاتی در جامعه و نیز اثرهای فاجعه بار اجرای سیاست های تبعیض آمیز در حق زنان کشور است. در این زمینه آمارهای رسمی به خودی خود کافی و نشان دهنده اوضاع وخیم کنونی است. خبرگزاری کار ایران - ایلنا - ۱۴ مهرماه امسال در گزارشی از وضعیت زنان کارگر نوشته بود، با اجرای اصلاحیه ماده ۱۹۱ قانون کار یعنی خروج کارگاه های کمتر از ۱۰ نفر از شمول قانون کار زندگی زنان کارگر به شدت تحت تاثیر قرار گرفته است. ایلنا نوشت: "ماده ۱۹۱، قراردادهای موقت و سفید امضاء و... نتیجه ورشکستگی اقتصاد کشور است و این قوانین تنها برای کسب رضایت سرمایه گذاران اجرا می شوند... در کارگاه ها و واحدهای تولیدی کوچک تفاوت فاحشی میان دستمزد، ساعت کاری و وضعیت کار زنان با آنچه که قانون مشخص کرده است وجود دارد... مشکل اصلی کارگران زن وضعیت کار در کارگاه ها و واحدهای تولیدی کوچک است". همچنین در گزارش دیگری اعلام شد در اکثر کارگاه های تولیدی دستمزد کارگران زن نسبت به مردان ۲۰ الی ۳۰ هزار تومان کمتر است. ایلنا ۱۲ مهرماه خاطرنشان نموده بود: "به دلیل کمبود فرصت شغلی به خصوص برای کارگران زن و البته تهدید کارفرمایان، کارگران از همکاری با بازرسان سرباز می زنند و بعضاً هنگام بازرسی از دید بازرسان مخفی می شوند... روند فعلی بازرسی از کارگاه ها و واحدهای تولیدی بی ثمر بوده و از وجود تبعیض و بی عدالتی و عدم رعایت قانون کار در قبال کارگران زن حکایت می کند. در اکثر کارگاه های تولیدی دستمزد کارگران زن نسبت به مردان حداقل ۲۰ الی ۳۰ هزار تومان کمتر است". دریافت دستمزد کمتر از همکاران مرد در قبال کار مساوی یکی از جدی ترین معضله های زنان کارگر و بطور کلی زنان شاغل میهن ماست.



های زن ستیزانه رژیم اعلام کرد که مبارزه دلیرانه زنان ایران بر ضد این سیاست ها، به رغم سیاست های شدید سرکوبگرانه همچنان ادامه دارد. سخنران در ادامه بخش مفصلی از سخنان خود را به مبارزه و مقاومت زندانیان سیاسی زن، از جمله نسترن ستوده، ژیلای شکر، ژیلای کرم زاده مکنونی پرداخت.

سخنران سخنان خود را به اشاره به اهمیت همبستگی بین المللی با مبارزه زنان ایران و ضرورت تشدید آن به پایان برد. سخنرانی نماینده تشکیلات دموکراتیک زنان ایران با ابراز و احساسات پرشور شرکت کنندگان در نشست رو به رو شد.

در بخش هنری جلسه، آنگل ارسی هنرمند کرد، ترانه های زیبایی را درباره مبارزه و دشواری های خلق کرد و مردم ترکیه خواند. سپس رفیق روزا مگرگر خواننده کلاسیک سرودهای مترقی به خواندن ترانه هایی درباره مبارزه زنان بریتانیا و جهان پرداخت.

جلسه با دکلمه شعر زیبایی از برتولت برشت، به مناسبت هشتادمین سالگرد روی کار آمدن نازی ها در آلمان و مبارزه کارگران و زحمتکشان و زنان مترقی بر ضد آنان به پایان رسید.

ادامه پیام های احزاب کارگری و کمونیستی ...

سازمان های دموکراتیک، به ویژه جنبش های زنان و جوانان و دانشجویان و دیگر سازمان های اجتماعی مدنی در مبارزات توده ای، به منظور دفاع از حقوق بشر و حقوق دموکراتیک کارگران و مردم است.

در ماه های اخیر حزب ما همراه با "جریان دموکراتیک" فعالانه درگیر برپایی ائتلاف های انتخاباتی مدنی دموکراتیک گسترده در بغداد و استان های دیگر در آستانه انتخابات استانی آوریل ۲۰۱۳ (فروردین ماه ۱۳۹۲) بوده است. به اعتقاد ما، غلبه بر بحران نظام مشارکت قدرت فرقه ای - قومی فقط از راه تغییر توازن نیروهای سیاسی در جامعه به سود مدافعان طرحی دموکراتیک - ملی امکان پذیر است، طرحی که، برقراری حکومتی مدنی و دموکراتیک بر اساس اصول شهروندی، آزادی های مدنی، و عدالت اجتماعی، را خواهان باشد. رفقای گرامی،

در این روزگار دشوار و پُرچالش، در حالی که توفان تغییر منطقه ما را در هم می نوردد، و با توجه به خطرهای جدی ای که هر دو کشور ما با آن ها روبه رویند، توسعه و تحکیم پیوندهای اترانسینوالیستی دوجانبه میان حزب توده ایران و حزب کمونیست عراق، و نیز استفاده از شکل های مؤثر و عملی همبستگی میان نیروهای کمونیست، ترقی خواه، و دموکراتیک در خاورمیانه و در سراسر جهان، اهمیت حیاتی دارد.

بار دیگر صمیمانه ترین آرزوهای قلبی خود را به کنگره ششم شما تقدیم می کنیم، و بر عزم خود برای توسعه و تحکیم پیوندهای برادرانه میان دو حزب خود و پیوندهای تاریخی میان دو ملت ایران و عراق، تأکید می کنیم. با گرم ترین درودهای رفیقانه،

کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق
۴ فوریه ۲۰۱۳ [۱۶ بهمن ماه ۱۳۹۱]

جشن هشتم ماه مارس در لندن

شمار زیادی از فعالان جنبش زنان از کشورهای مختلف جهان، در کتابخانه تاریخی مارکس در لندن، و دفتر کار لندن، به هنگام اقامتش در انگلستان، گردآمده بودند تا روز هشتم ماه مارس، روز جهانی زن و روز همبستگی رزمجویانه با مبارزات دلیرانه زنان جهان را گرامی دارند.

جلسه با سخنران رفیق لیز پاین، عضو هیئت سیاسی، و مسئول زنان، حزب کمونیست بریتانیا آغاز شد. رفیق پاین ضمن اشاره به ادامه سرکوب حقوق زنان توسط سرمایه داری جهانی به تشریح دست آوردهای مبارزه زنان در دهه های اخیر پرداخت و با اشاره به اینکه مبارزه زنان برای رهایی از ستم طبقاتی و دستیابی به حقوق برابر همچنان ادامه دارد، به سخنران خود پایان داد.

سخنران بعدی، نماینده زنان حزب کمونیست عراق بود، که در سخنرانی مفصل خود ضمن اشاره به تاریخ مبارزه زنان عراقی و خصوصاً تشکیل "لیگ زنان عراق" در دهه ۱۹۵۰، به توضیح شرایط بسیار دشوار زنان عراقی در حال حاضر و تشدید فشار نیروهای واپس گرا و اسلامی برای محروم کردن زنان از حقوق سیاسی، فرهنگی و اقتصادی اشاره کرد.

خانم آنتیا رایت، صدر "مجلس ملی زنان" در بریتانیا سخنران بعدی جلسه بود که ضمن اشاره به تاریخچه پیدایش "مجمع ملی زنان" و مبارزه زنان مترقی بر ضد جنگ، به وضعیت وخیم زنان در بریتانیا، در شرایط بسیار دشوار اقتصادی کنونی پرداخت. خانم رایت از جمله گفت که بخش بزرگی از شغل هایی که توسط دولت دست راستی کنونی از بین رفته است، در بخش دولتی است. وی شمار بیکار شدگان در بخش دولتی، از زمان روی کار آمدن دولت ائتلافی محافظه کاران و لیبرال ها را بیش از ۵۰۰/۰۰۰ نفر اعلام کرد که به گفته او بخش عمده ای از آنان را زنان تشکیل می دهند. به گفته خانم رایت وضعیت کنونی یک یورش به تمام معنی ایدئولوژیک بر ضد حقوق زنان است که نیروهای مترقی باید با تمام توان به مقابله با آن برخیزند.

سپس نوبت سخنرانی به رفیق امل جبارلا، از مسئولان زنان حزب کمونیست سودان رسید که ضمن تبریک هشتم مارس به زنان تمام جهان از جمله گفت سیاست مداران از بحران جهانی سخن می گویند در حالی که این بحران، بحران سرمایه داری جهانی است. رفیق جبارلا، ضمن اشاره به مبارزه دشوار زنان سودان بر ضد واپس گرایی اسلامی اعلام کرد که نیروهای مترقی در سودان زیر شدیدترین پیگرد رژیم ضد مردمی و اسلامی حاکم اند و باید کارزار جهانی همبستگی با مبارزه مردم سودان را تشدید کرد.

سخنران بعدی، نماینده شاخه زنان حزب کمونیست یونان بود که در سخنان پرشوری ضمن اشاره به ماهیت طبقاتی مبارزه زنان بر ضد سرمایه داری جهانی و همچنین تأثیر مخرب بحران سرمایه داری جهانی بر ضد حقوق زنان، همه زنان مترقی جهان را به تشدید مبارزه بر ضد امپریالیسم و نیروهای تجاوزگر ناتو فرا خواند.

آخرین سخنران این نشست، نماینده تشکیلات دموکراتیک زنان ایران بود، که سخنان خود را با اشاره به هفتادمین سالگرد تأسیس تشکیلات دموکراتیک زنان برای تحقق حقوق زنان ایران آغاز کرد. سخنران سپس ضمن اشاره به تاریخ برگزاری هشتم ماه مارس در ایرانی و این امر که به رغم تلاش های رژیم دیکتاتوری حاکم زنان ایرانی همچنان هشتم مارس گرامی می دارند به برگزاری مراسم هشتم مارس در روزهای

اخیر، در زندان اوین در تهران اشاره کرد. نماینده تشکیلات دموکراتیک زنان ایران، با تشریح سیاست های زن ستیزانه رژیم حاکم و اشاره به لوایح ضد مردمی همچون "لایحه حمایت از خانواده"، "لایحه پاسپورت"، جدا سازی جنسیتی در دانشگاه های کشور و دیگر سیاست



”خانواده فعالان سیاسی و مدنی دگراندیشان نیز از اذیت و آزار ماموران امنیتی درامان نبودند، از جمله زهرا موسوی و نرگس موسوی دو تن از دختران میرحسین موسوی، محمد حسین کروی پسر سوم کروی برای چند ساعت بازداشت و مورد بازجویی قرار گرفتند... حسین شیرازی فرزند آیت الله صادق شیرازی نیز به دادرسی ویژه روحانیت احضار و بازجویی شد. از سوی دیگر پدر، مادر و برادر انور حسین پناهی زندان سیاسی به اداره اطلاعات شهر قره و محمد رستم نژاد پدر دو نوجوان کشته شده مهیادی... به اداره اطلاعات مهیادی احضار و بازجویی شدند.“ سیاست سرکوب و ایجاد فضای ترس و وحشت بازدید شدن به زمان برگزاری انتخابات ریاست جمهوری به شکل هدفمند و متناسب با تحول های صحنه سیاسی به اجرا گذاشته شده است. این سیاست بخشی از برنامه واپس گرایان برای مهندسی انتخابات و مهار و کنترل جنبش مردمی است. یگانه پاسخ مناسب و اقدام موثر در قبال چنین برنامه ای، مبارزه متحد و مشترک برای آزادی بی قید و شرط همه زندانیان سیاسی - عقیدتی است!

زنان سرپرست خانوار و زندگی زیر خط فقر

در اواخر بهمن ماه امسال رسانه های همگانی با انتشار گزارش ”همایش ارتقای سلامت اجتماعی زنان سرپرست خانوار“ از قول مسئولان ذی ربط اعلام داشتند: ”آمار رو به افزایش زنان سرپرست خانوار قابل ملاحظه است“. خبرگزاری مهر ۲۷ بهمن ماه نوشته بود: ”باید به آمار روبه افزایش زنان سرپرست خانوار توجه جدی کرد... طلاق، اعتیاد و بیکاری روزافزون، سرپرست زن خانوار را می سازد (پدیده می آورد) طبق آمار سرشماری سال ۹۰ جهش قابل ملاحظه ای در بخش زنان خانوار مشاهده می شود“. به موازات افزایش آمار زنان سرپرست خانوار، فقر نیز در میان این زنان محروم و زحمتکش و خانواده های تحت تکلف آنها افزایش چشمگیر داشته است. اکثریت مطلق زنان سرپرست خانوار در شهرهای بزرگ کشور نظیر تهران، تبریز، اصفهان، اهواز، شیراز و کرمانشاه و مشهد مطابق آمار رسمی سازمان بهزیستی با درآمدی زیر خط فقر زندگی می کنند و از زمان اجرای برنامه آزادسازی اقتصادی - هدفمندی یارانه ها - سطح زندگی و قدرت خرید خانواده های تحت سرپرستی زنان به شدت تنزل یافته است. خبرگزاری مهر، ۲۸ بهمن ماه، در مطلبی تحت عنوان ”۲۰نیم میلیون زن سرپرست خانوار در انتظار قوانین حمایتی“ از جمله خاطر نشان ساخت: ”فرزندان زنان سرپرست خانوار در معرض آسیب قرار دارند و مشکلات اقتصادی هم سایه سنگینی بر زندگی سخت این زنان انداخته است... زنان سرپرست خانوار در مقایسه با افراد دیگر جامعه مشکلات و گرفتاری های بیشتری دارند... به همین دلیل با شرایط سختی روبرو هستند“. همچنین رسانه های همگانی در اوایل اسفندماه از لزوم بازنگری و تغییر کلی برخی قوانین برای زنان سرپرست خانوار گزارش هایی را منتشر ساختند. خبرگزاری ایسنا ۳ اسفندماه تصریح کرد: ”کارشناسان و پژوهشگران مسایلی اجتماعی اتفاق نظر دارند که بسیاری از قوانین موجود برای زنان سرپرست خانوار دشواری های فراوانی ایجاد کرده اند از این رو لزوم بازنگری کلی برخی قوانین برای زنان سرپرست خانوار امری حیاتی است... نیازهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خانوارهای تحت سرپرستی زنان توسط نهادهای حکومتی نادیده گرفته می شود“.

برخی خواسته های به حق زنان سرپرست خانوار علاوه بر تغییر قوانینی که مواردی مانند ارث، حضانت فرزند، ممنعت از مداخله های کمیته امداد خمینی در زندگی زنان سرپرست خانوار و مسایلی این چنینی را در برمی گیرد. آنها خواهان درآمد مناسب با نرخ واقعی تورم برای زندگی خود و خانواده هایشان هستند. مستمری ماهیانه سازمان بهزیستی و کمیته امداد خمینی با توجه به نرخ فزاینده تورم و گرانی های کمر شکن به هیچ رو کفاف گذران زندگی را به این زنان زحمتکش نمی دهد. زنان سرپرست خانوار به حق خواهان افزایش مستمری ها متناسب با نرخ تورم و امکان دستیابی به شغل مناسب هستند. بعلاوه تحریم های مداخله جویانه خارجی به ویژه در عرصه دارو، زنان و خانواده های تحت سرپرستی آنان را به دلیل عدم دسترسی به پزشک و دارو با چالش های جدی، نگران کننده و دردناک مواجه ساخته است. بی جهت نبود معاون سازمان بهزیستی ضمن انتقاد تلویحی از سیاست های ارتجاعی کمیته امداد خمینی در خصوص زندگی زنان سرپرست خانوار اعلام کرده بود هیچ یک از سازمان ها و نهادهای حمایتی، هماهنگ و منطبق با نیازهای زنان سرپرست خانوار اقدام نکرده و نمی کنند.

نزدیک به ۳ میلیون زن سرپرست خانوار به دلیل سیاست های ضد مردمی اقتصادی - اجتماعی، سیاست های فرهنگی قرون وسطایی و زن ستیز رژیم ولایت فقیه در وضعیتی ناگوار قرار گرفته اند. آمار نشان می دهد بیش از ۸۵ درصد زنان سرپرست خانوار در کلان شهرها زیر خط فقر زندگی می کنند و خانواده هایشان در معرض آسیب های اجتماعی است.

حمایت از منافع و حقوق زنان سرپرست خانوار از اولویت های غیر قابل چشم پوشی جنبش زنان و همه حزبها و نیروهای راستین میهن دوست است!

افزایش مرخصی زایمان از ادعا تا واقعیت

پس از آنکه لایحه اصلاح قوانین تنظیم جمعیت و خانواده در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید، ارتجاع حاکم دست به تبلیغات گسترده ای در این زمینه به ویژه تبصره ۲ این



ادامه سیاست سرکوب و آزار و اذیت خانواده های زندانیان سیاسی

ارتجاع حاکم در راستای مهندسی انتخابات ریاست جمهوری آینده، به سیاست اعمال فشار و ایجاد جو رعب و وحشت در جامعه ابعاد تازه ای بخشیده است. در هفته های اخیر علاوه بر پیگرد و بازداشت شمار دیگری از روزنامه نگاران و خبرنگاران، شاهد بازداشت گروهی از فعالان اجتماعی و چهره های فرهنگی متعلق به اقلیت های مذهبی بودیم.

بازداشت و بازجویی از درویش گنابادی و تعدادی از پیروان اهل حق (یارستان) خشم افکار عمومی در مناطق غربی و استان های شرقی کشور را برانگیخت. در این زمینه شیرین عبادی در گزارش ماهیانه خود در خصوص وضعیت حقوق بشر در ایران، اعلام نموده است: ”آرش شلتوکی از درویش گنابادی... و پنج تن از فعالان مدنی و دانشجویی مریوان بازداشت شدند. همچنین طاهر فقیه و چهارتن دیگر از طلاب... منتقد حکومت ایران بازداشت شدند... وضعیت برخی زندانیان سیاسی - عقیدتی همچنان نامناسب گزارش می شود... مسئولان زندان از اعزام صالح کهندل و میثاق یزدان نژاد به مراکز درمانی خودداری کردند... مسعود پدram از اعضای شورای فعالان ملی - مذهبی که در بند ۳۵۰ زندان اوین دوران محکومیت خود را می گذراند، به دادرسی اوین احضار و اتهام جدیدی به وی تفهیم و مجدداً مورد بازجویی قرار گرفت. ارژنگ داودی، زندانی سیاسی تبعید شده به زندان بندرعباس به سول انفرادی منتقل شد. صفایی مقدم، مهدی قمیسی، حسن دادخواه و ایرج زارع چهار فعال سیاسی به اداره اطلاعات استان خوزستان و پرویز شیرودی فعال دانشجویی به حراست دانشگاه شهید چمران اهواز احضار و مورد بازجویی قرار گرفتند“.

در عین حال ارگان های امنیتی به پیگیری روزنامه نگاران ادامه داده و برخی از آنها مانند کیوان مهرگان، نرگس جودکی، جواد دلیری، امیلی امرایی، ساسان آتایی و پوریا عالمی کماکان در زندان بسر می برند. وزارت اطلاعات با پرونده سازی علیه روزنامه نگاران تلاش می کند، فضای ترس در آستانه انتخابات بر جامعه سایه افکند. یکی از جنبه های سیاست سرکوب و ایجاد جو رعب و وحشت، اعمال فشار هدفمند به خانواده و بستگان زندانیان سیاسی - عقیدتی است. به ویژه خانواده زندانیان سیاسی و دگراندیشان به شدت و بطور سیستماتیک مورد آزار قرار دارند. هدف ارتجاع از چنین سیاستی درهم شکستن مقاومت مبارزان دربند و مسدود ساختن امکانات تماس خانواده ها و جلوگیری از خبررسانی در خصوص وضعیت زندان هاست. بطور نمونه خانواده برخی فعالان کارگری دربند و مبارزان دانشجویی و زنان به بند کشیده شده، دایماً توسط ماموران امنیتی و دادستانی انقلاب اسلامی تهدید شده و زیر فشار قرار دارند. در این زمینه در گزارش بهمن ماه شیرین عبادی آمده است:

ادامه رویدادهای ایران ...

لایحه زد. این تبصره مربوط به اصلاح قوانین تنظیم خانواده در خصوص مرخصی زایمان مادران شاغل است. ایلنا ۲ اسفندماه گزارش داد: "با تصویب اصل و جزییات لایحه اصلاح قوانین تنظیم جمعیت و خانواده، مرخصی زایمان مادران به ۹ ماه افزایش می‌یابد و همسر آنان نیز از دو هفته مرخصی اجباری تشویقی برخوردار می‌شود. . . .". در تبصره ۲ ماده واحده است، مرخصی زایمان مادران ۹ ماه است و همسر آنان نیز از دو هفته مرخصی اجباری تشویقی برخوردار می‌شوند، این قانون به مادرانی که سن فرزندان آنان به ۹ ماهگی نرسیده است تسری می‌یابد و مادر می‌تواند تا سن ۹ ماهگی نوزاد از مرخصی زایمان استفاده کند". تصویب این لایحه که در راستای سیاست ولی فقیه پیرامون لزوم افزایش جمعیت کشور انجام گرفته، در واقع مرخصی زایمان زنان شاغل اعم از کارگر، معلم و کارمند را نه در جهت حمایت از حقوق زنان، بلکه برای تشویق به افزایش جمعیت از سوی ارتجاع حاکم باید ارزیابی کرد. در این مورد سخنگوی کمیسیون اجتماعی مجلس در گفت‌وگویی با ایلنا ۲ اسفند ماه خاطر نشان ساخته بود: "در لایحه دولت برای اصلاح قوانین تنظیم جمعیت و خانواده محدودیت‌های اعمالی سال‌های ۷۳ و ۸۸ حذف شده بود. (موارد مربوط به کنترل جمعیت) نمایندگان مجلس در کمیسیون بهداشت، افزایش مرخصی پس از زایمان را به این لایحه اضافه کردند. . . . در این لایحه تنها یک مورد تشویقی (برای بارداری و افزایش جمعیت) وجود دارد که مرخصی شیردهی بانوان را به ۹ ماه افزایش داده . . . این افزایش مرخصی باید در تمامی ادارات دولتی و ارگان‌ها به اجرا درآید". همچنین رییس مرکز امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری نیز اعلام داشت، این لایحه (تنظیم خانواده و افزایش مرخصی زایمان) با قانون شورای عالی انقلاب فرهنگی که مربوط به سیاست‌های تشویقی جمعیت است، انطباق و هماهنگی دارد.

همه این تبلیغات با گذشت چند روز جای خود را به اما و اگرهای معنادار مسئولین رژیم داده است. معاون رییس‌جمهور، معاون ریاست مجلس، رییس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس و تعداد دیگری از گردانندگان رژیم، اجرای تبصره مربوط به افزایش مرخصی را به آینده‌ای نامعلوم موکول می‌کنند. یکی از اعضای هیئت رئیسه مجلس به ایستا ۴ اسفندماه یادآوری کرد، برای اجرای افزایش مرخصی زایمان زنان ضرورت است دولت منابع مالی مشخصی را در نظر بگیرد. تاکنون این منابع مشخص نشده‌اند و امکان اجرایی آن مصوبه در حال حاضر وجود ندارد. از دیگر سو ایلنا ۳ اسفندماه از قول عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس نوشت: "نکته مهم مباحث مالی این طرح است که باید از سوی دولت پیش‌بینی شود و این موضوع ممکن است اجرای طرح را به تعویق بیندازد. دولت باید برای جایگزینی مادرانی که سه ماه بیشتر به مرخصی می‌روند تمهیداتی ببندیشند. من هیچ زمانی را برای اجرایی شدن این طرح نمی‌توانم متصور شوم". به این ترتیب مصوبه افزایش مرخصی زایمان مادران شاغل تا آینده‌ای نا روشن مسکوت باقی خواهد ماند و بی‌شک تمامی عرصه‌های شغلی زنان خصوصاً کارگران و آموزگاران را تماماً در بر نمی‌گیرد. اصولاً طرح افزایش مرخصی زایمان فقط و فقط در چارچوب سیاست‌های جمعیتی اخیر رژیم که بر پایه نظرات خامنه‌ای تدوین شده، قرار دارد. نباید از نظر دور بداریم که پیش از تصویب افزایش مرخصی زایمان زنان در قالب لایحه تنظیم خانواده، شورای عالی انقلاب فرهنگی در مصوبه‌ای تحت عنوان "سیاست‌های جمعیتی شورا" اعلام کرده بود، در چارچوب سیاست‌های افزایش جمعیت و رفع محدودیت و کنترل جمعیت، "مرخصی استعلاجی زایمان به ۹ ماه و مرخصی بدون حقوق به ۲۱ ماه و جمعا به مدت ۳۰ ماه به ازای هر فرزند . . . برای کلیه شاغلان بخش دولتی و غیردولتی پیش‌بینی شده است و مادران شاغل دارای ۳ فرزند و بیشتر نیز می‌توانند با داشتن هر میزان سابقه کار، علاوه بر میزان سنوات خود به ازای هر فرزند با یک سال افزایش سنوات بازنشسته شوند . . . برای مادران دانشجو نیز تسهیلاتی در نظر گرفته شده است". [نگاه کنید به ایستا ۲ آبان ماه ۱۳۹۱]

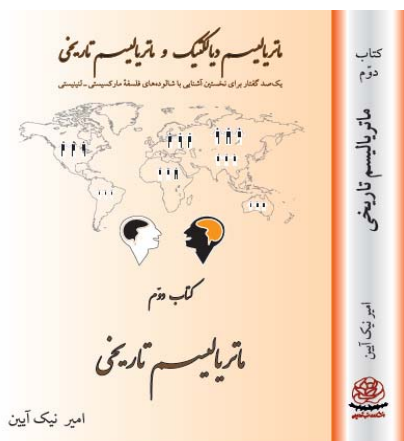
با توجه به آنچه مورد اشاره قرار گرفت و نامشخص بودن زمان اجرای کامل افزایش مرخصی زایمان، می‌توان گفت چنین طرح‌هایی صرفاً بر روی کاغذ باقی‌مانده و تنها ادعایی بیش نیستند!

ادامه برنامه نوین حزب توده ایران ...

اقتصادی را به‌سوی مرحله ملی دموکراتیک در مرکز توجه قرار می‌دهد. بر این مبنا است که در بخش‌های دیگر سند برنامه، حزب راه‌کارهای مشخص روند دموکراتیزه کردن واقعی رونمای سیاسی و انجام تغییرهای اجتماعی-اقتصادی به صورت عملی را مطرح می‌سازد و آن‌ها را در فرایند لازم و ملزوم نشان می‌دهد. برنامه نوین حزب توده ایران، در مرحله کنونی بر اساس درک عینی از بافت طبقاتی جامعه و مرحله مشخص رشد نیروهای مولده کشورمان، همراه با نظر داشت توازن نیروها در عرصه بین‌المللی، حذف شیوه تولید سرمایه‌داری را در دستور کار نیروهای مترقی میهن‌مان نمی‌داند. حزب توده ایران به دنبال شعارهای پرطمطراق و طرح‌های خیالی نیست، و از این‌روست که برنامه کنگره ششم رشد عملی و علمی برای توسعه اقتصاد ملی را امری که باید با شرایط عینی ایران و جهان دمساز باشد، می‌داند. ایران کشوری در حال رشد با اقتصادی عقب‌مانده و تک‌محصولی است که در دو دهه اخیر به دلیل اجرای تعدیل‌های اقتصادی از سوی دولت‌های حاکم، منافع کلان سرمایه‌داری به‌طور عمده غیرمولد هسته مرکزی اقتصاد سیاسی آن را تشکیل می‌دهد. برنامه حزب ما بر این نکته بسیار کلیدی تاکید می‌ورزد که، نیروی انسانی کشورمان مهم‌ترین رکن ثروت ملی است، بنابراین می‌باید رشد اقتصادی را برای توسعه کشور پیرامون گسترش فعالیت‌های ارزش‌افزای نیروی کار متمرکز کرد. به عبارت دیگر، بر اساس برنامه‌ریزی دقیق و علمی، از درآمد نفت و دیگر منابع طبیعی می‌باید در مسیر تحول و رشد کیفیت ارزش‌افزایی نیروهای کار بهره‌برداری کرد. پس هدف اساسی برنامه حزب بازسازی اقتصاد ملی و دگرگونی اقتصاد سیاسی کشور با گرایش بارز به‌سوی منافع قشرها و طبقه‌های زحمتکش و از جمله لایه سرمایه‌داری تولیدی ارزش‌افزا است. در ارتباط با این هدف، ایست کامل سیاست‌های تعدیل اقتصادی و از جمله برنامه‌های آزاد سازی قیمت‌ها، اجرای برنامه‌ریزی اقتصادی مدون در تخصیص عامل‌های تولید برای توسعه، حذف کامل نقش محوری منافع سرمایه‌داری غیرتولیدی و مالی از شئون اقتصادی کشور، کوچک سازی حجم سرمایه‌های خصوصی به‌طور عام، و جلوگیری از تمرکز سرمایه‌های کلان، در زمره نخستین اقدام‌های لازم در بازسازی اقتصاد ملی کشورند. برنامه مصوب کنگره ششم، راه‌کارهای تاکتیکی و راهبردی حزب توده ایران در بخش‌های: "منشوری برای وحدت عمل و آزادی ایران از چنگال استبداد" و "سرفصل برنامه اقتصادی مردمی، برای تغییرهای بنیادی"، همچون الگوی پیشنهادی‌ای است که به‌منظور تدوین یک "برنامه حداقل" در اختیار جنبش مردمی قرار می‌دهد. نتیجه‌گیری برنامه حزب ما این است که، بدون برپایی اتحادهای وسیع بین نیروهای اجتماعی نماینده قشرها و طبقه‌های ذی‌نفع در گذر از استبداد ولایت فقیه و پایه‌ریزی دموکراسی، نمی‌توان توازن لازم نیرو برای رویارویی با دیکتاتوری حاکم به وجود آورد. واقعیت این است که، منافع مادی طبقه کارگر، قشرهای زحمتکش، و از جمله لایه‌های خرده بورژوازی، از جمله اجزایی‌اند که پشتیبانی اکثریت مردم از فرایند انجام تغییرهای بنیادی لازم را در کشور ما می‌سازند. بنابراین، تدوین نقشه‌راهی به جلو برای ایجاد تغییرهای بنیادی میهن، به ارائه همزمان منشوری برای دموکراتیزاسیون حیات جامعه به‌همراه برنامه اقتصادی‌ای مردمی ناگزیر است. تنها از این طریق و با شعارهای مشخص عملی، کار سازمان‌یافته بین مردم، و بالا بردن سطح آگاهی قشرها و طبقه‌های اجتماعی، به‌منظور همکاری نیروهای سیاسی و اجتماعی و برپایی جبهه واحد وسیع برای گذر از دیکتاتوری به مرحله دموکراتیک در سطح ملی، می‌توان گام‌هایی اساسی برداشت.

باز انتشار یافت

جلد اول و دوم کتاب ماتریالیسم دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی کار ارزشمند زنده یاد رفیق شهید امیرنیک آئین، توسط انتشارات حزب توده ایران منتشر شد. این دو کتاب شامل یکصد گفتار برای نخستین آشنایی با شالوده‌های فلسفه مارکسیستی-لنینیستی است



ادامه برنامه نوین حزب توده ایران...

سیاسی محلی در چارچوب منافع ملی، از جمله مهم‌ترین رکن‌های برنامه نوین حزب توده ایران‌اند.

برنامه مصوب کنگره ششم، حاصل مطالعه و ترکیب بیش از صدها نظر و پیشنهاد دریافت شده از جانب اعضا، هواداران، و دوستداران حزب ما، و همه نیروهای علاقه‌مند به تحول‌های دموکراتیک بنیادین در ایران، است که در دو طرح اولیه برنامه-قبل از کنگره و به‌منظور نظرخواهی- در اختیار عموم قرار گرفت. در این دوره نظرخواهی، و تکمیل برنامه از سوی کنگره ششم، کشور ما و جهان، تحول‌های بسیار مهمی را شاهد بوده‌اند که در بازمینی، ارزیابی، و غنی‌تر ساختن برنامه نوین، اثرگذار بوده‌اند. کنگره ششم حزب در شرایطی برگزار شد که کشور ما در یکی از حساس‌ترین برهه تحول‌های تعیین‌کننده قرار داشته است. با در نظر گرفتن ناگزیری تغییرهای بنیادین فراروی میهن‌مان، برنامه حزب تنظیم شده است. برنامه حزب ما بر اساس این واقعیت عینی بنا شده است که: بدون تکیه کردن بر نقش محوری جنبش مردمی، چه از راه اصلاح و چه با خیزش‌های انقلابی، هیچ‌گونه دگرگون‌سازی بنیادین و مترقی‌ای در فرایند این تحول‌های ناگزیر آتی ممکن نخواهد شد. منطق، و همچنین تجربه تاریخ معاصر کشورمان و دیگر کشورهای منطقه خاورمیانه نشان می‌دهند که، در صورت حذف نقش مستقیم مردم و نیروهای مردمی از صحنه، حتی در صورت دستیابی لحظه‌ای به دموکراسی و عدالت اجتماعی، تمامی دستاوردهای بی‌ثبات و به‌سرعت از دست خواهند رفت. از این‌روی، هدف اساسی حزب توده ایران از تنظیم و تصویب برنامه نوین، به‌طورمستقیم متوجه همیاری موثر در جهت بالا بردن سطح مبارزه جنبش مردمی برضد دیکتاتوری حاکم بوده است. در این ارتباط تکیه برنامه، بر یافتن راه‌کارهای مشخص و عملی در بعدهای مختلف سیاسی و اقتصادی به‌منظور تغییرتوازن نیرو برضد دیکتاتوری حاکم در مرحله کنونی است. برنامه نوین حزب ما با تحلیل دقیق چگونگی به شکست کشیده شدن انقلاب مردمی ۱۳۵۷، بر مبارزه مرتبط و همزمان برای برپایی "عدالت اجتماعی"، و پی‌ریزی و دفاع قاطع از مبانی "دموکراسی واقعی" تاکید دارد، زیرا تجربه عملی نشان داده است که یکی از این دو مهم بدون دیگری نمی‌تواند به‌طورواقعی و پایدار وجود داشته باشد. این برخورد برنامه کنگره ششم نشان‌دهنده درس‌گیری از تجربه انقلاب ملی و دموکراتیک بهمن ۱۳۵۷ و حساسیت حزب توده ایران به اهمیت ارتباط ارگانیک میان مبارزه در مرحله "پیش" و ماهیت حکومت در مرحله پس از دیکتاتوری است.

برنامه نوین کنگره ششم، ترسیم‌کننده نقشه راه مبارزه حزب توده ایران، در مقام یکی از نیروهای مطرح جنبش مردمی کشور، است که در هفت دهه گذشته شانه‌به‌شانه دیگر نیروهای پیشرو برای گذر از دیکتاتوری به دموکراسی و انجام اصلاحات بنیادین در جامعه ایران مبارزه کرده است. از این‌روی، تفسیر و ارزیابی دائمی مبانی کلیدی برنامه نوین حزب ما در بوته تجربه عملی، یعنی سنجش درجه همساز بودن آن با واقعیت‌های عینی جاری در تحول‌های مهم آینده ایران و جهان ضروری است. در این باره، سند برنامه مصوب کنگره ارائه‌دهنده موضع‌های رسمی و شفاف حزب توده ایران است، که چارچوب بحث‌ها و تبادل نظر رسمی با دیگر نیروهای سیاسی درون جنبش را دربرخواهد داشت. ارگان مرکزی حزب توده ایران (نامه مردم)، در این نوشتار، و همچنین در مقاله‌هایی که در آینده منتشر خواهند شد، نکته‌های کلیدی برنامه کنگره ششم را در ارتباط با معضلات و تحول‌های آتی کشورمان و جهان، ارزیابی و بررسی خواهد کرد.

بخش‌های نخست سند برنامه، به معرفی تاریخ و جهان بینی حزب توده می‌پردازد. در بخش‌های بعدی سند برنامه، می‌توان انسجام نظری و خط سیر تکاملی این جهان‌بینی با هدف ادامه نوآوری‌ای پویا- که در طول بیش از ۷۱ سال فعالیت در حزب ما پرورده شده است، را مشاهده کرد. به گمان ما، برنامه کنگره ششم دستورعملی خشک و انعطاف‌ناپذیر و یا سندی صوری(فرمالیته) و بوروکراتیک نیست، بدین معنا که به‌محض نوشته شدن مانند اعلامیه‌یی تاریخ مصرف آن پایان پذیرد. برنامه در دست، حاصل

تلاشی عقل‌گرایانه برای به‌وجود آوردن چارچوبی تحلیلی و همه‌جانبه بر اساس شرایط تحول‌یابنده ایران و جهان است که درعین‌حال، بنابر تغییر شرایط عینی، انعطاف می‌پذیرد. هسته نظری سند برنامه، پویایی لازم برای جذب و به‌کارگیری اطلاعات جدیدتر را داراست، زیرا اسلوب تحلیلی به‌کارگرفته شده در تدوین آن، بر منطق دیالکتیک مبتنی است. برنامه حزب بدون غوطه‌ور شدن در انبوه داده‌ها (فاکت‌ها)، در راستای تشخیص ماهیت درونی و تعیین‌کننده تحول‌ها و پدیده‌های کلیدی، تمامی آن‌ها را در کلی به‌هم پیوسته مورد نظر قرار می‌دهد. به عبارتی دیگر، تشخیص تضاد اصلی تعیین‌کننده در بین رابطه‌ها، و تداخل و تاثیر متقابل دیالکتیکی‌شان بر یکدیگر، عنصر اصلی تحلیل‌های برنامه نوین حزبماست.

برنامه نوین حزب، از همان ابتدا، در راستای ارائه راه‌کارهای عملی بالا بردن کیفیت سطح مبارزه جنبش مردمی به این سوال‌های مهم نظری جواب می‌دهد: مرحله مشخص کنونی تضاد اصلی کشور ما که حل آن می‌تواند تعیین‌کننده باشد در کجا است؟ آیا این تضاد در درون جامعه است و یا اینکه تضادی خارجی است؟ در این مورد، تاکید برنامه حزب بر وجود تضاد آشتی‌ناپذیر مردم با روبری سیاسی دیکتاتوری ولایتی و زیربنای اقتصادی ناعادلانه کشورمان است. تحلیل‌های حزب ما در سال‌های اخیر به شکلی بی‌گیرنشان داده‌اند که در مرحله مشخص کنونی تضاد خارجی مهم است و در شرایطی نیز می‌تواند به عاملی تعیین‌کننده تبدیل گردد، ولی هنوز تضادی فرعی است. از این‌رو است که حل این تضاد خارجی، چه از راه رویارویی نظامی، ماجراجویی‌های "ضد استکباری" رژیم، و یا دخالت‌های "بشر دوستانه" مورد نظر همراهان امپریالیسم در ایران، عامل اصلی تعیین‌کننده در حرکت مترقی کشورمان نخواهد بود. تاکید اسلوب تحلیل سند برنامه بر تاثیرگذاری عامل خارجی بر تحول‌های درونی کشور، بر اساس ماهیت اقتصاد سیاسی کشورمان است. به عبارت دیگر، تحول‌های درونی کشور ما در خلأ و فارغ از توازن نیرو و شرایط عینی جهانی و منافع اقتصادی- سیاسی کشورهای امپریالیستی صورت نخواهد گرفت. بنابراین، نخستین فصل تحلیلی سند برنامه، زیر عنوان: "مشخصه‌های عمده اوضاع جهان و ایران"، به اوضاع جهانی و تحلیل اقتصاد سیاسی آن می‌پردازد. در تشریح مشخصه‌های عمده اوضاع جهان، برنامه به این نکته مهم اشاره می‌کند: "در بیشتر نقطه‌های جهان توده عظیم زحمتکش‌ان و طبقه کارگر به دنبال بدیل دیگری‌اند، و نیروهای مترقی و حزب‌های کمونیست بار دیگر در صدر این مبارزه برای صلح، عدالت اجتماعی، و دموکراسی قرار دارند." همین‌طور برنامه به این واقعیت بدیهی تاکید می‌ورزد: "مبارزاتی که دارای درک روشن از سوسیالیسم علمی‌اند به تجربه دریافت‌اند که جنبه‌های جهانی و داخلی موازنه قوا، با وجود استقلال نسبی در قوا، به هم مربوط و تاثیرپذیر از یکدیگرند."

برنامه حزب توده ایران به‌صورت مستقیم به شیوه تولید سرمایه داری برخورد می‌کند و آن را در برهه کنونی و در زمینه "جهانی شدن"، تحمیل‌الگویی نوئیرالیستی اقتصادی و بحران عمیق اقتصادی سرمایه‌داری، تحلیل می‌کند و درباره‌اش نظر می‌دهد. "برنامه"، بر پیامدهای ضد اجتماعی اجرای تعدیل‌های وسیع اقتصادی نوئیرالیستی بر اساس جهانی‌سازی و الگوی "بازار بی نظارت" تاکید می‌ورزد، که به دلیل تمرکز شدید سرمایه‌های مالی عظیم به بحران ادواری رکود منجر شده است. برنامه کنگره ششم با تشریح زمینه‌ها و دلیل‌های بروز بحران کنونی سرمایه‌داری و ورشکستگی اقتصادی- سیاسی و اخلاقی آن، مدعی سقوط قریب‌الوقوع آن نمی‌شود، بلکه مرحله کنونی آن را نمایشگر سترونی سرمایه در حکم عامل مسدود کننده ترقی بشری، در بر دارنده خطر بروز جنگ‌های ویرانگر و در تضاد مستقیم با محیط زیست می‌داند. این همان الگویی است که رژیم ولایتی در دو دهه گذشته با تعدیل‌های اقتصادی پی‌درپی و دمساز با نسخه‌های "صندوق بین‌المللی پول" و "بانک جهانی" در کشور ما اجرا کرده است و در میان آموزه‌های نوئیرالیستی در کشورمان و برخی نیروهای چپ سابق نیز هوادارانی دارد.

برنامه نوین حزب توده ایران، با درس‌گیری از تجربه جهانی و فراز و نشیب‌های کشورهای سوسیالیستی سابق، به‌صورتی شفاف و بدون ذهن‌گرایی و شعار دادن، با سوسیالیسم برخورد می‌کند، و آن را بدین صورت بیان می‌کند: "مبارزه ایدئولوژیک و سیاسی میان سوسیالیسم و سرمایه داری- که از قرن بیستم با پیروزی انقلاب اکتبر به مرحله کیفی عملی وارد شد- نه فقط هنوز حل نشده است، بلکه در قرن بیست و یکم به مرحله نوینی وارد گردیده است." برنامه کنگره ششم با صراحت می‌گوید که، هدف راهبردی حزب توده ایران پی‌ریزی جامعه سوسیالیستی در میهن ما است، ولی گذر به سوسیالیسم را مرحله فراروی میهن ما قلمداد نمی‌کند. در اینجا می‌توان ساختار برنامه حزب ما را بر اساس درکی دیالکتیکی از روند تغییر و حرکت دید که هسته تئوریک آن بر مبنای ماتریالیسم تاریخی قرار دارد. بر این اساس است که برنامه حزب بر مرحله‌ای بودن خط سیر تکاملی جامعه ما به سوی سوسیالیسم تاکید می‌کند. از این منظر تئوریک است که چارچوب تحلیلی برنامه نوین حزب گذر از دیکتاتوری ولایتی و ایجاد دگرگونی‌های بنیادی سیاسی-



زندانیان سیاسی، اخراج‌های آشکار و نهان دانشجویان از دانشگاه‌ها و محروم کردن آنان از تحصیل به روشنی می‌توان دریافت. با به کار گرفتن همه این سرکوب‌ها، دستگیری‌ها، و شکنجه‌های وحشیانه در رویارویی با نسل پویا در راه خواست آزادی و عدالت اجتماعی نسل پویا یعنی جوانان، و با همه فراز و نشیب‌ها در مسیر مبارزه، سنت مبارزاتی شما نسل آزاده، همچنان استوار و پابرجا ادامه یافته‌است.

جوانان و دانشجویان مبارز و آگاه

سرکوب گسترده و بی‌وقفه رژیم ولایت فقیه بر ضد نیروهای آزادی‌خواه، به‌خصوص از مقطع کودتای انتخاباتی خرداد ۱۳۸۸ بدین سو، پدیده بسیار نگران‌کننده‌ی را زمینه‌سازی کرده‌است که هوشیاری نسل جوان را طلب می‌کند. به دلیل استقرار جو سرکوب همه‌جانبه و بالا بردن هزینه مبارزه اصیل سیاسی از سوی رژیم، شمار زیادی از فعالان سیاسی از جمله دانشجویان و جوانان مجبور به ترک ایران گردیده‌اند. برخی محفل‌های مشکوک، که در ارتباطشان با جریان‌های ضد مردمی و با وابسته به قدرت‌های منطقه‌ای و امپریالیستی شکی نیست، سعی کرده‌اند چنین لقاء کنند که، مبارزه اصیل و مستقل جنبش مردمی در راه تغییرهای موثر در داخل کشور غیرممکن است. این محفل‌ها با توجه دادن بعضی از این فعالان دانشجویی و جوانان مجبور به مهاجرت سیاسی شده به سرکوب‌گری رژیم، سعی کرده‌اند به‌منظور جذب این مهاجران به محفل‌ها و جریان‌های ضد مردمی و وابسته به ارکان‌های اطلاعاتی و هدایت شده از سوی کشورهای امپریالیستی، زمینه‌سازی کنند. این پدیده خطرناک و مخرب که به ضرر جنبش مردمی است، لزوم هوشیاری شما نسل جوان و آگاه را بیش از پیش به ضرورتی مهم تبدیل کرده‌است. بدون اغراق جنبش دانشجویی و جوانان میهن‌آزمونی بسیار دشوار برای نیل به آزادی و دموکراسی را تجربه می‌کند. به موازات سرکوب‌های خشن، بی‌رحمانه، و سیستماتیک از سوی رژیم ولایت فقیه، ما همچنین وضعیتی را شاهدیم که عملاً مانع هر نوع تشکیل‌یابی مستقل از سوی دانشجویان می‌گردد. اجرای طرح تفکیک جنسیتی که به صورت خزنده، از چند سال پیش تاکنون به اجرا درآمده‌است، به همراه بازبینی و حذف درس‌های علوم انسانی و جایگزینی آن‌ها با تفکرات ارتجاعی چهره‌های معلوم‌الحالی همچون مصباح یزدی، از چالش‌های جدی‌ای‌اند که جنبش دانشجویی در آزمون سخت خود در رویارویی با آن باید پیروزمند بیرون بیاید.

جوانان و دانشجویان مبارز و آگاه

شرکت کنندگان در کنگره ششم حزب توده ایران، بار دیگر بر تعهد حزب بزرگ نیا، شریعت رضوی‌ها، هوشنگ تیزابی‌ها، تورج حیدری بیگوند‌ها، خسرو مقصودی‌ها، و محمد جانجانیان‌ها به حمایت و همبستگی همه‌جانبه‌اش با جنبش جوانان و دانشجویان میهن برای صلح، آزادی، دموکراسی، و عدالت اجتماعی، تاکید می‌کند. کنگره ششم حزب توده ایران اعلام می‌دارد که، جنبش دانشجویی و نسل جوان میهن‌مان همچون همه برهه‌های هفت دهه پیش، همچنان می‌تواند سنگری مطمئن، و پشتیبان و تکیه‌گاهی برای تحقق هدف‌های جنبش مردم میهن را در صف‌های مبارزه‌جویی حزب توده ایران بیابد. کنگره ششم حزب توده ایران با توجه به نقش تعیین‌کننده و انکارناپذیر شما جوانان و دانشجویان در حیات سیاسی تاریخ معاصر میهن‌مان، بار دیگر تعهد می‌بندد تا در راه شجاعانه‌ای که در آن گام برداشته‌اید، پشتیبان تزلزل‌ناپذیر شما باشد.

کنگره ششم حزب توده ایران

بهمن ماه ۱۳۹۱

پیام ششمین کنگره حزب به جوانان و دانشجویان مبارز میهن!

کنگره ششم حزب توده ایران گرم‌ترین درودهایش را به شما جوانان و دانشجویان، پیش‌تازان شجاع، مبتکر، و آرمان‌گرای جنبش حق‌طلبانه مردم ایران تقدیم می‌دارد. جنبش آزادخواهی جوانان و دانشجویان همچون بخشی مهم از جنبش ملی و دموکراتیک مردم ایران در دهه گذشته بسیار گسترده و پرتحول بوده‌است. زنان و مردان جوانی که بی‌واهمه از ستم‌گری‌های حاکمیت، پرچم اصلاحات بنیادین سیاسی را به دوش گرفته و دیکتاتوری دین‌سالار حاکم را به مصاف خوانده‌اند، در لحظه لحظه جنبش اعتراضی سالیان اخیر نقشی بسیار برجسته داشته‌اند. شعارهای داده شده در مبارزه دانشجویان کشور نشان می‌دهند که جنبش جوانان و دانشجویان روزبه‌روز پخته‌تر شده و پیوندهای آن با جنبش صلح، با مبارزه زنان برای تغییر قوانین و رفع همه تبعیض‌ها، و با جنبش اعتراضی کارگران میهن‌مان ژرف‌تر شده‌اند. اینکه شمار بسیاری از جوانان و دانشجویان در بازداشتگاه‌های رژیم در شرایط شکنجه‌بار و برخورد‌های وحشیانه به‌سر می‌برند، و چهره‌هایی مبارز از جنبش دانشجویی، دختر و پسر، به دلیل فعالیت‌های‌شان به حبس‌هایی درازمدت و بی‌سابقه محکوم شده‌اند، بازتاب روشنی از نقش آنان در این کارزار است. کنگره ششم حزب توده ایران همبستگی خود را با مبارزان جوان راه آزادی میهن از یوغ استبداد اعلام می‌دارد.

صف‌های حزب توده ایران در سراسر تاریخ ۷۱ ساله‌اش سنگر‌هایی مطمئن از برای آموختن شیوه‌های کارآی مبارزه و به‌کارگیری آن‌ها از سوی جوانان آرمان‌گرا در مسیر عملی کردن تغییرهای پایه‌ای در نظام اجتماعی، سیاسی، و اقتصادی ایران بوده‌است. نسل جوان و پویای جامعه ما همواره در پی یافتن جایگاهی مطمئن که اندیشه‌های کنج‌گاو را پرورش دهد و بر اثر آن نسلی آگاه و متعهد به خلق بسازد، نه تنها خود در تشکیل و برپایی چنین جایگاهی سهم و شرکت داشت، بلکه زمینه‌های شرکت فعالانه طیف گسترده‌ای از جوانان و دانشجویان را از همان مقطع تشکیل حزب توده ایران فراهم کرد. بنیان‌گذاران حزب توده ایران علاوه بر فعالان کارگری - که با اندیشه‌های سوسیالیستی قبل و بعد از انقلاب کبیر اکبر در اتحاد شوروی آشنا و در کوران مبارزه آبدیده شده بودند - همراه با نسلی آگاه و تشنه علم که برای تحصیل به خارج از کشور رفته بودند و سرآمد آنان زنده یاد رفیق ارانی بود، توانست هم‌حزبی نیرومند برای دفاع از زحمتکشان میهن برپا دارد و هم جنبش نیرومندی دانشجویی‌ای را پایه‌گذاری کند که از زمان برپایی و تشکیل حزب توده ایران تاکنون، دیکتاتوری‌های حاکم بر میهن‌مان را با چالش‌هایی جدی روبرو سازد. نسل، فعالیت، و دستاوردهای حزب توده ایران بدون درهم تنیدگی‌اش با مبارزه حیات جوان و دانشجویان میهن نمی‌تواند مورد بررسی قرار گیرد. تأثیر انکارنشدنی‌ای که حزب توده ایران از آغاز تاسیس تاکنون در رشد، شکوفایی، و تحول‌های فکری نسل جوان داشته‌است، حتی مورد تأیید دشمنان قسم خورده حزب ما است. از مقطع تشکیل حزب توده ایران تا رویداد کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، زیر تأثیر فعالیت حزب توده ایران حضور جوانان و دانشجویان آن‌چنان وسیع و گسترده بود که کمتر تحول سیاسی‌ای را می‌توان سراغ گرفت که در آن جوانان و دانشجویان نقش نداشته‌اند. رژیم محمدرضا شاه با همه تلاشی که کرد هیچ‌گاه موفق نگردید سکوت قبرستانی را در جامعه و به‌خصوص بین نسل جوان و دانشجویان حکم‌فرما کند، و کارزارهای اعتراضی جوانان و دانشجویان، در داخل و خارج از کشور، توانست در سرنگونی رژیم وابسته او نقشی انکارناپذیر بازی کند.

جوانان و دانشجویان مبارز و آگاه

با پیروزی انقلاب شکوهمند بهمن ۱۳۵۷، انتظار این بود که فضا برای فعالیت‌های آزادی‌خواهانه به‌خصوص برای نسل جوان و دانشجو مهیا شود. با وجود همه امیدواری‌ها، تاریخ اندیشمان حاکم کوتاه مدتی پس از انقلاب با سازمان‌دهی پورش جنایتکارانه به دانشگاه‌های میهن و اشغال آن‌ها، و با هدف سرکوب قطعی آزادی‌خواهی و مبارزه‌جویی نسل جوان و دانشجویان، در میراندن همیشگی شعله انقلابی‌گری در نسل جوان کوشش کرد. رژیم کهنه اندیش مصمم بوده‌است تا با گسترش سرکوب، و برای چپاول منابع ملی، به حیات ننگین‌اش ادامه دهد، و در این مسیر صدمه‌های جانی و روحی سنگینی را به شما نسل جوان و دانشجو وارد کرده‌است. هراس رژیم ولایت فقیه از نسل پویا و آگاه را از شمار کشته‌شدگان جنبش آزادی‌خواهانه ایران، ترکیب

پیام ششمین کنگره حزب توده ایران به: خلق‌های زیر ستم و آزادی‌خواه ایران!

پیام کنگره ششم حزب توده ایران به: روزنامه نگاران، نویسندگان و هنرمندان (در همه رشته‌های هنری)

هجوم برنامه‌ریزی شده و مداوم به روزنامه‌نگاران، و نویسندگان و گردانندگان روزنامه‌ها و گاهنامه‌ها، سایت‌ها، و وبلاگ‌ها، به کارزاری سیستماتیک برضد نشر آزاد دیدگاه‌های سیاسی و اجتماعی، و همچنین اطلاع‌رسانی و عرصه‌های مشابه، تبدیل شده است. این هجوم‌ها در اکثر موارد با دستگیری، نقض حقوق شهروندی، تجاوز به حریم خصوصی، اهانت، و برخورد فیزیکی همراه بوده‌اند. علاوه بر این‌ها، با اتهام همکاری با "عوامل بیگانه" و "جاسوسی" برای آنان - اتهامی کهنه و به‌ارث رسیده از سلف سلطنتی رژیم ولایی و به‌پوسیدگی خود این دو رژیم - معمولاً همراه است.

ما شرکت کنندگان در ششمین کنگره حزب، از گردش آزاد اطلاع‌رسانی، ارائه آزادانه دیدگاه‌ها، و تحلیل‌های متفاوت در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، و اجتماعی روزنامه‌نگاران کشورمان [هرچند که با برخی از این دیدگاه‌ها، بر اساس موضع‌گیری‌های خاص حزبی‌مان، دارای زاویه‌ایم و یا حتی مخالفیم، و به‌موقع خود به آن‌ها پاسخ هم گفته‌ایم] حمایت می‌کنیم، حمایت کرده‌ایم، و در آینده نیز در این مسیر پیکار خواهیم کرد. ما از نشر آزاد و رها از تهدید سانسور، دفاع می‌کنیم، و بازداشت و شکنجه روزنامه‌نگاران و مسئولان روزنامه‌ها و گاهنامه‌ها، نویسندگان سایت‌ها و وبلاگ‌های مستقل را محکوم می‌کنیم، و بر آنان که در مسیر آزادی، دمکراسی، عدالت اجتماعی، و استقلال ملی‌مان از جان و جسم و هستی خود مایه می‌گذارند، درودهای گرم می‌فرستیم.

کنگره همچنین به زنان و مردان روزنامه‌نگاری که با رشادت کم‌نظیرشان، و تحمل شکنجه‌ها و بیماری‌های ناشی از آن‌ها، بر آرمان‌های انسانی و مردمی خود پای می‌فشارند، درود می‌فرستد، و همچون گذشته، در آینده نیز آوای به‌بندکشیده شده‌شان را در سراسر جهان می‌پراکند.

رژیمی که از سخن‌پرانی و تبلیغ درباره معنویت، اخلاق، و فرهنگ دمی باز نمی‌ماند، بر اثر هرچه تنگ‌تر کردن دایره سانسور کتاب و آفرینش‌های هنری - در همه رشته‌های هنری - کار را به جایی کشانده است که شمارگان (تیراژ) کتاب از متوسط ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ در رژیم گذشته، به ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ در حال حاضر رسیده است (در حالی که جمعیت کشور و جمعیت تحصیل‌کرده‌اش نزدیک به دو برابر شده است)، و همچنین در عرصه هنرهای نمایشی، فیلم‌سازی (سینمایی و سریال)، موسیقی (سنتی و مدرن)، تولیدهایی نه اکران می‌شوند و نه اجازه توزیع پیدا می‌کنند، و این علاوه بر وارد کردن زیان و خسارت به روند آفرینشگری در میهن، محروم کردن هنرمندان از درآمد محصول کار خود برای گذران زندگی است. سانسور و ممنوعیت انتشار از عرصه آثار معاصر به گنجینه فرهنگ ملی کشیده شده است، و مرزهای زمان را از کهن تا امروز در عرصه داستان، شعر، و پژوهش، را درمی‌نوردد. اجرا کننده سیاست‌های مخرب ضدفرهنگی‌ای که راه به گم‌بیشه خرافه و واپس‌ماندگی می‌برد و نام بی‌مسمای فرهنگ و ارشاد بر خود گذاشته است، به هر ترفند و بهانه‌یی بر سر راه حرکت رو به جلو ادبیات و هنر مانع می‌تراشد، از کمبود کاغذ گرفته تا تهدید، بازداشت، و شکنجه نویسندگان و هنرمندان، بازیگران، شاعران، و کارگردانان، و "ارشاد" آنان به روی آوردن به واپس‌گرایی. از سوی دیگر همین دستگاه ضد فرهنگ که هر از چندی پاسداری بر اریکه آن تکیه می‌زند، با دروغ‌پردازی‌های عوام‌فریبانه - که نزد جامعه آگاه امروز ایران سراپا ناشیانه و پرت از مرحله دانسته می‌شود - ادعا می‌کند کسب افتخار ربودن جایزه اسکار، که ثمره کار و هنرمندی خلاقان عرصه هنر سینمایی میهن ماست، نتیجه لابی‌گری دولت ضدملی کنونی است. رژیم با دستگاه اندیشه سوز سانسورش، دو هدف دارد، اول: گسستن رشته ارثیه ادبی و هنری (کلاسیک و مدرن) ایران از روند آفرینشگری ادبی و هنری کنونی، و دوم: با مانع تراشی‌ها و کارشکنی‌ها در این روند، هرچه پرهزینه‌تر کردن فعالیت ادبی و هنری مستقل از برنامه‌های رژیم. هدف رژیم از این گسستن و دشوار و پرهزینه کردن فعالیت ادبی و هنری در کشور، انداختن جریان کار و فعالیت ادبی و هنری - یا "ارشاد"!! - آن - به بستر مورد نظر و واپس‌گرایی قرون وسطایی خود است تا از آن در ادامه حاکمیت‌اش بهره گیرد. ما از وجود فضای آزاد برای رشد استعدادهای ادبی و هنری و برآمدن آثار ارزشمند ادبی و هنری نویسندگان، شاعران، و هنرمندان (در همه رشته‌های هنری) میهنان‌مان حمایت و در راه آن مبارزه کرده‌ایم و خواهیم کرد.

ششمین کنگره حزب توده ایران
بهمن ماه ۱۳۹۱

ششمین کنگره حزب توده ایران، به شما خلق‌های میهن‌مان که در شرایط دشوار و بغرنج کنونی برای دستیابی به آزادی، برابری حقوق، و العالی ستم ملی مبارزه می‌کنید، و در طول سده‌های متمادی تاریخ، سرنوشت مشترکی داشته‌اید، و در راه تحقق آزادی، استقلال، و عدالت اجتماعی در میهن واحدمان فداکاری‌های بی‌شماری از خود نشان داده اید، صمیمانه درود می‌فرستد.

مبارزه قهرمانانه خلق‌های میهن ما، در مقام بخشی جدایی‌ناپذیر از جنبش‌های بخش کشورمان در دوره‌های متفاوت تاریخ معاصر ایران، از جمله انقلاب بهمن ۱۳۵۷، نقشی تعیین‌کننده در پیروزی جنبش مردمی داشته است. انقلاب بهمن ۵۷، به‌رغم پیروزی در مرحله سیاسی و سرنوشتی رژیم دیکتاتوری - پلیسی پهلوی، و به‌رغم آنکه بخش‌هایی از خواست‌های خلق‌های میهن ما در قانون اساسی برآمده از انقلاب گنجانده شد، نتوانست زمینه‌های عملی شدن حقوق ملی در ایران را تأمین کند. توطئه‌های ارتجاع داخلی و امپریالیسم جهانی، خیلی زود وحدت خلق‌های میهن ما را هدف قرار داد، و یورش نظامی دولت برآمده از انقلاب به کردستان و آذربایجان، و در پی آن جنگ تحمیلی عراق بر ضد ایران، و سپس متوقف شدن اجرای برنامه‌های مردمی در راه تأمین حقوق زحمتکشانش، از جمله اصلاحات ارضی، و شدت یافتن یورش به حقوق و آزادی‌های دموکراتیک، به‌طور عملی زمینه‌ساز تحکیم پایه‌های ارتجاع، و در نهایت، شکست انقلاب بهمن ۵۷ گردید.

به باور ما، مبارزه امروز خلق‌های میهن‌مان و حزب‌ها و سازمان‌های مترقی‌شان با رژیم ولایت فقیه، در اوضاع بسیار حساس و دشوار چه از نظر داخلی و چه از نظر بین‌المللی در جریان است، و از این روی، ارایه سیاست و راه‌کارهایی که تأمین‌کننده منافع و مصالح همه خلق‌های ایران باشد، از اهمیتی اساسی برخوردار است. روی داده‌های منطقه خاورمیانه نشان داده است که امپریالیسم جهانی تأمین منافع کوتاه و دراز مدت خود را از طریق تفرقه‌افکنی و به‌وجود آوردن تشتت و همچنین ایجاد درگیری‌های قومی تأمین می‌کند. به گمان ما سیاست‌های عمیقاً ارتجاعی و ضد مردمی رژیم ولایت فقیه بر ضد خلق‌های میهن و سرکوب خشن خواست به‌حق آن‌ها، زمینه‌ساز شدت پیدا کردن درگیری‌های قومی و باری دهنده سیاست‌های امپریالیسم در منطقه و کنار مرزهای میهن ماست. امروز خلق‌های کرد، آذری، عرب، ترکمن، و بلوچ، در چهار گوشه میهن ما زیر شدیدترین سیاست‌های سرکوب‌گرانه، تحقیر ملی، و محروم بودن از ابتدایی‌ترین حقوق از جمله تحصیل به زبان مادری‌اند.

در چنین اوضاع بغرنج و فوق‌العاده حساسی، ما ضمن اعلام حمایت صریح خود از مبارزه خلق‌های ایران برای دستیابی به حقوق ملی‌شان، معتقدیم که با تحکیم پیوندهای مبارزه همه خلق‌های ایران با مبارزه کارگران و زحمتکشانشان، زنان، جوانان، و دانشجویان، پیکاری سراسری بر ضد رژیم ولایت فقیه را باید شدت بخشید. بدون طرد رژیم استبدادی حاکم، به دستیابی خلق‌های میهن به حقوق‌شان، و در نتیجه آن، استقرار آزادی و حقوق دموکراتیک در ایران نمی‌توان امیدوار بود.

ششمین کنگره حزب توده ایران، طرفدار برابری کامل حقوق کلیه خلق‌ها و اقلیت‌های مذهبی میهن ماست. ما ضمن دفاع پیگیر از استقرار حکومتی فدرال و تأمین کامل حقوق ملی، فرهنگی، سیاسی، و اقتصادی خلق‌های ایران، در عین حال بر این اعتقادیم که تأمین منافع کوتاه و دراز مدت خلق‌های میهن ما نه در گسستن از میهنی واحد، بلکه در چارچوب ایرانی آزاد، مستقل، و دموکراتیک امکان‌پذیر است.

گرامی باد خاطره تابناک جان باختگان خلق‌های میهن ما در راه دستیابی به حقوق ملی، آزادی، استقلال، و عدالت اجتماعی!

ششمین کنگره حزب توده ایران
بهمن ماه ۱۳۹۱



سالگی به این سو - ۴۰ سال آزرگار - با آموزگاری و استادی و نیز کتابداری و پژوهش و جز آن روزگار گذراند. با این همه از شیوه های پهلوانی و ایثار (عیار) منشی تبار پدری خود نیز روی برتافت و در سال های جوانی به ورزش های قهرمانی پرداخت. چندان که در ۱۸ سالگی (۱۳۲۱) در پیکارهای بوکس خراسان و سپس در ۱۳۲۳ در آوردگاه

وزنه برداری چندملیتی کشورهای خاور نزدیک بر سکوی نخست قهرمانی ایستاد.

رفیق آریان پور در سال ۱۳۵۹ بازنشته شد و از این پس به ساماندهی پژوهش های ژرف فلسفی و اجتماعی و ادبی اش که از دهه های پیشین آغاز شده بود پرداخت.

از بودن و سرودن

دامنه ی شناخت رفیق آریان پور بسی گسترده و رشک برانگیز بود. چندان که بر ستیغ بلند دانشوران چپ ایران او را از زمره ی بزرگانی همچون **رفیق ارانی** و **رفیق طبری** و شماری دیگر ارزیابی کرده اند. اینکه چرا بزرگترین دانشوران چپ ایران همواره راه حزب توده ی ایران را برمی گزینند؟ خود پرشی است که چه بهتر کمونیست های غیر توده ای به آن پاسخ گویند. دکتر آریان پور در جایگاه یک جامعه شناس تراز بالای جهانی اما در جامعه شناختی هنر نه تنها پیش گام که آموزه پرداز بود نوافرین: روان شناختی، فلسفه، شیوانگاری، فرهنگ، هنر، روش شناختی، معرفت شناختی، اتیک (دانش اخلاق)، انسان شناختی، روش پژوهش، تاریخ، مردم شناختی، چیرگی بر چندین زبان جهانی و ... گوشه هایی از دانش - شناخت این اندیشه ور تراز نو را رقم می زند.

هنگامی که در کار نگارش *جامعه شناسی هنر خود بود راه های پر خم و پیچی* را پیمود: "از *روان شناسی فردی* به *روان شناسی اجتماعی* و از آن به *مردم شناسی* و *جامعه شناسی* و دیگر علوم کشانیده شدم... گرچه هنر زاده شخصیت هنرمند است باز باید برای شناخت هنر به جامعه روی آورد. زیرا شخصیت هنرمند هرکس ساخته - پرداخته ی محیط اجتماعی اوست. ۳ و بنیاد و انگاره ی پردازش منش هنری هنرمند، طبقه ی اجتماعی او که اما دیگر فرایند ها نیز مهر و نشان خود را بر آن می گذارند. وی بدین گونه به خاستگاه طبقاتی هنرمند در آفرینش هنری دست بازید و بر پایه روش هایی از این گونه، هنر شناختی را از دو آستانه ی ایستا (استاتیک) و پویا (دینامیک) پی گرفت. نیز در برخورد با طبقات فرودست و فرادست جامعه به دوشیوه ی ناهمگون هنری - هنر مردمی و هنر اشرافی - رسید. سپس در پرتو هنر شناختی پویا، فرایند هم آمیزی هنر این هر دو را ژرف پژوهی کرد. هنگامی که *جامعه شناسی هنر* به فرجام رسید پیمایش دانش های اجتماعی در گستره های هنری تازگی داشت و به گفته ی هنرشناسان بزرگ زمانه هنوز کاری خورند این نگرش نو انجام نپذیرفته و آموزه ای دانشیک ۴ و همه سویه درباره ی فراروی و گونه گونی (تطور) هنری در جهان آن روز پدید نیامده بود. براین پایه اما فرایند جامعه شناختی هنرها دانشی بود نوآیند که به اندازه ی دیگر "شاخه های جامعه شناسی پیشرفت نکرده" بود ۵ و این آریان پور بود که در پی ریزی و فرازپویی این دانش نو، دست بالا را داشت. بی گمان اگر دکتر آریان پور در غرب زاده شده بود او را همچون پایه گذار جامعه شناختی هنر فرا می نمودند و به رخ شرق می کشیدند. وی اما در *جامعه شناسی هنر* خود از هنرهای مدرنیستی رمزگشایی می کند و نشان می دهد که همه ی فرایندهای هنری به جز رئالیسم، سوررئالیستی و فراواقعی اند: بیشتر "ایسم های پر جنجال قرن بیستم که در نظر بسا کسان" سبک های نو "به شمار رفته اند، به احتمال بسیار، چیزی جز جلوه های عصر انحطاط رومانتیسیسم نیستند. این گونه ایسم ها - از سنبولیسم گرفته تا سوررئالیسم و فوتوریسم و دادایسم - از یک طرف بر محور رومانتیسیسم انحطاطی می گردند و از طرف دیگر از یکدیگر متاثرند، چندان که می توان همه را سر و ته یک کرباس دانست و به زبان **مایوتون**، نو رومانتیسیسم خواند." ۶

زمینه ی جامعه شناسی

در تاریخ ۱۰۰ سال گذشته ی ایران کمتر آفرینه ای همچون زمینه ی جامعه شناسی توانسته است به کتاب بالینی ده ها هزار خواننده در گذران چندین دهه ی آزرگار فراورید. این رساله ی شگرف و دگرگونه گر اما از این روزنه ی دید، بسیار نمونه وار و دوران ساز است. در سایه روشن سال های سربی پیش از

آرمان گرای کهنه ستیز

به انگیزه زادروز رفیق دکتر امیر حسین آریان پور (۱۳۸۰-۱۳۰۳)

نوبت کهنه فروشان درگذشت
نوفروشانییم و این بازار ماست (مولوی)

سرگشته در هزارتوی مه آگین و ناپیداگرانه ی پندارها در تک و پوی گره گشایی از "راز" های جهان مثلی افلاتون و ایده ایسم بر کلی و هگل و دیگرانی از این دست بود. در تنگنایی از این گونه اما اندیشه ی پوشش گرش هم چنان می کاوید و می پیمود و درمی نوردید. همچون **سیسرون** سخنور که می گفت: "رازی را دریابیم، بهتر از آنکه پادشاه کشوری باشیم."

روزی روزگاری روی آمدی شگفت او را از این تنگنای بی روزن برمی کشد و گره گاه های ذهنی اش را از هم می درد: او که در نشستی روشنفکرانه با همه ی شور و شیفگی جوانی اش از ایده ایسم ذهنی **هگل** و دیگران می گفت و بکایک پدیده های هستی را سایه ها و نمودهایی از واقعیت های فرازمینی بر می شمرد خود در این باره گفته است: "ناگاه جوانی بلندبالا و خوش سیما از راه رسید و به گروه کوچک ما پیوست. او پس از شنیدن واگویی های ایده ایستی ام رشته ی گفتار را به دست گرفت و تنها ده دقیقه به نقد و سنجش این ایدئولوژی پرداخت و همین. در فرجام گفته های او اما اندیشه ام دستخوش دگردیسی ژرف و باورنکردنی شده بود. من دیگر آن ایده ایست دو آتسه ی ده دقیقه ی پیش نبودم که ماتریالیستی واقع اندیش شده بودم. آن جوان شگرف گوی نکته سنج دگرگونگر بلندبالا کسی نبود جز **احسان طبری**." ۱ که اما **پروفیسور دکتر امیر حسین آریان پور** با فروتنی مالا مال خود همواره از او به نیکی یاد می کرد و در دگردیسی اندیشه اش خود را وام دار دانش و بیش او می شمرد.

رفیق آریان پور (زاده ی هشتم اسفند ۱۳۰۳ تهران) نوه ی **نایب حسین کاشی** و خاله زاده ی **سهراب سپهری**، براینند دانش و فرزانش + دلیری و شورشگری بود. دانش و آگاهی اش به تبار مادری او که **ملک المورخین سپهر** (نویسنده ی نامدار *ناسخ التورخ*) یکی از آنها بود برمی گشت و رزم پویی اش ریشه در درخت تناور شورشگران نایی کاشان و لرستان داشت. هم از این دیدرس بود که راه حزب توده ی ایران را برگزید و تا واپسین دم زندگی (دوشنبه ۸ مرداد ۱۳۸۰) دل از آن برنکند. با این همه چندان فروتن و افتاده وار بود که در بهار ۱۳۷۳ در دیدار **احمد پناهی سمنانی** (شاعر و شیوانگار) و **خسرو باقری** (نویسنده و برگرداننده) سخن از شوربختی خود ساز کرده و گفته بود که نیازی به این همه خواندن نبود! "باید هرچه بیشتر دست به عمل می زدم. و به آنان که زندگی شان سراسر عملی آگاهانه بود - به مبارزان - می پیوستم" ۲ و راستی را مگر او چنین نکرده بود؟ فرهیختن هزاران دانشجو که از میان شان دلبرترین ستیزندگان و سهیستایان (شهیدان) برآمدند و نیز زیستاری رزم ازما که جز رنج و ناکامی برایش نیاورد، مگر این همه فراتر از هرگونه کارزار اجتماعی نیستند؟

باری، تبار مادری وی به ویژه از رهگذر تاریخ نویسی و شیوانگاری (ادبیات) از سرآمدان روزگار قاجار بود و تبار پدری اش به رهبران عشیره ی **کر بیران** وند می رسید که سرانجام به کاشان دوررانده (تبعید) شد و تا برافتادن رضاشاه پهلوی بیشتر از ۵۰ سال آزرگار با شاهان خودکامه و پشتیبانان غربی شان رزمید. از سربنام ترین فرزندان همان عشیره یکی هم **نایب حسین کاشی** بود که آوازه گران رژیم گذشته او را یک گردنه گیر راهزن برمی نمودند که اما هرگز چنین نبود. هنگام که آریان پور زاده شد پلیس ها چشم از خانواده اش برنمی گرفتند و بدین گونه آنان گذرانی دشوار را به سختی تاب می آوردند. استاد اما از چهار سالگی نزد مادر فرهیخته اش **فخر ایران سپهری** که در آموزش و پرورش کودکان، روش هایی نوآورانه داشت، پیش زمینه های دانش را فراگرفت و این همه را در سال های واپسین در ایران و لبنان و آمریکا پی گرفت و دانش رسته ی دکترا در رشته های علوم اجتماعی، فلسفه، دانش های فرهیختنی (تربیتی) و شیوانگاری فارسی شد. وی از ۱۳ سالگی به بازگردان (ترجمه) و نگارش کتاب های پژوهشی روی نمود و از ۱۵

ادامه آرمان گرای کهنه ستیز...

انقلاب و در زمانه ای که آفرینه های مارکسیستی - لنینیستی را روای هیچ چاپ و درآوردنی نبود، زمینه شناسی هم چون کاپیتالیست مارکس و آنتی دورینگ انگلس و امپریالیسم و امپریوکریسیسم لنین و آموزه هایی از این گونه پیشه ی اندیشه ها را درمی نوشت و همچون ایسن آشوب گرای / و دگرگونه گر، زمینه های ذهن هزاران هزار دانشجوی را خیش می زد و به آشوب می کشید. زمانی فروید بر شالوده ی گفت آوردی (نقل قولی) از هبل آهنگ ساز گفته بود: "پس از اندک زمانی دریافتم که من نیز از زمره ی آنانم که خواب خوش جهانیان را برمی آسویند." و راست این است که رفیق آریان پور نیز با کتاب زمینه ی جامعه شناسی خود از زمره ی خواب آشوبانی بود که در سال های سربی سکوت، آب در خوابگاه مورچگان می ریخت و غوغایی به پا می کرد که نپرس!

کهنه و نو در ستیز بی درنگ / قلب هر چیز است یک میدان جنگ / نو فرو کوبد رقیب کهنه را / زو بیلا یه حریم خانه را / زین کشاکش، خویش هم، دیگر شود / آنچه نو بوده خود نوتر شود...

و سرپای این رساله ی ازجمند دوران ساز جز ستیز کهنه و نو نبود و هم از این دیدرس است که بر پژوهنده ی سخت کوش آن - استاد آریان پور - می تاختند و می کوشیدند خرمن تلالی (طلای) آموزه های ژرف پیمای او را از سکه دراندازند.

در جستاری دانشورانه در ماهنامه ی چیستا از دکتر حبیب قاسم زاده (استاد گروه روان پزشکی و روان شناختی بالینی) آنجا که روش - شناختی و اسلوب کار رفیق آریان پور از دم قلم گذشته گفتاورد بلونسکی پیرامون رفتار فرهنگی که تنها در تحول تاریخی و جای مندی (تکوینی) آن دریافتنی است ۱۱ برجسته شده است. رفتار به هنجار فرهنگی اما نیازمند فرا رفت جامعه از نیازهای روزمره و بیش از همه در گرو دگرگونی در ساخت واره های ذهنی است. و اگر به رویارویی سرسختانه ی اینرسی (نادگرشوندگی، مقاومت) اندیشه ها با رخنه گری های دگرگونه گر و بنیادین بیاندیشیم، خواهیم دید که چنین فرایندی تا چه اندازه سخت و دشوار پیمای است. با این همه و به گفته ی دانشوری همچون دکتر قاسم زاده، رفیق آریان پور از انگشت شمارانی است که از پس دگرگونی در اینرسی اندیشه ها برآمده و توانسته در ساخت واره های ذهنی جامعه تکانه های تندراسا درافکند. رویکردی که سرسختی نمونه وار این استاد برجسته ی جامعه شناسی را واگویی می کند. ۱۲ رمز و راز اینکه وی در تنگنای سیاسی زمانه چگونه از پس این کار کوه آسا برآمده اما در روش شناختی (متدولوژی) بسامان و دقیق او است که پرده از اندیشه ی بهنجار، سازمان یافته، هدفمند و به هم پیوسته ی وی برمی دارد: "متر متفکری را می شناسیم که به این تعادل و تناسب فکری و فلسفی دست یافته باشد."

راست این است که نخستین گام های استوار را در دانش روش شناختی بازم آریان پور است که با چاپ رساله های پژوهش (۱۳۳۴) و دو منطق (چاپ سوم ۱۳۵۷) برمی دارد. در سال ۱۳۳۳ که موسسه ی علوم اداری دانشگاه تهران متدولوژی پژوهش را در برنامه ی درسی خود گنجانید و استاد آریان پور را بر آن گماشت - به گفته ی خود استاد - نه تنها در آن روز و روزگار که تا سال ها پس از آن هم هنوز روش پژوهش سرسری گرفته می شد.

وی همچنین در نو آوری و نواندیشی همواره دست بالا را داشت و گفته ها و نوشته هایش آکنده از نکته های نو بود. هنگامی که ابن خلدون تونسی را به درستی پیشاهنگ جامعه شناختی علمی نامید، در واقع دیوار آهنین ایدئولوژی نژاد پرستانه و واپس گریزانه ی ساترنالیسم غربی را به لرزه درمی افکند. نیز او بود که ایسن آشوب گرای ۱۴ را شناساند و در بازنگری و بازخوانی تاریخ، روشن اندیشان را در آستانه ی رستاخیز ۱۵ به درنگ واداشت. در روانشناسی از دیدگاه واقع گرایی ۱۶ هستی را به دو بهره بخش کرد: "طبیعت و جامعه ی انسانی". رویکردی که به نوشته ی دکتر قاسم زاده یادآور فرایندی نو در قلمرو دانش است که در روسیه با سه چه نوف آغاز شد و با پاولف رسمیت آزمایشگاهی و علمی یافت و به سیستمی پیشرفته فراورید. ۱۷ چنین بود که نگاه به روان شناختی دانشیک شرق که غرب همواره آن را در سایه می گذاشت آغاز شد و دامنه گرفت. نیز ژرف نگری نوآورانه ی وی در روان شناختی نوین جهان، در فرویدیسم با اشاراتی به ادبیات و هنر او (چاپ نخست ۱۳۳۰) نمونه وار است. بازم نخستین گام ها را در این گستره او بود که به شیوه ی تاریخی - تحلیلی - انتقادی برداشت و به بازنمایی و رمزگشایی فروید پرداخت و اندیشه های روان کلاوانه را در شیوانگاری کهن ایران از قلمرو سایه ها بیرون کشید. ۱۸

راست این است که در روان شناختی فروید به انبوهی از داده های روان

شناسانه ی ابن سینا برمی خوریم که اما دانشور اتریشی به داده گان (فرانس) آن قانون در طب پورسینا هیچ اشاره ای نکرده و پرسش این است که مگر دیگر همگان فروید از دمگریتوس و سقرات و افلاتون و ارستو تا دانته و نیوتن و گالیله و آگوست کمت و دیگران در خوشه چینی از خرمن دانش های خاور و به ویژه ایران چنین نکرده اند؟

باورشناختی و جهان نگری استاد

رفیق آریان پور همچون یک توده ای پیگیر و هنجارپژوه به دگرگونی های ژرف و بنیادین جامعه از رهگذر پیکار با خودکامگان ایرانی و امپریالیسم جهانی باور داشت و این ستیز ورجاوند را در گرو بیداری و آگاهی و سازماندهی توده ها می دانست. او همواره/اندیشه ی آفرینشگر، نگرش ژرف تاریخی و دریافت منطق واقعیت را به دانشجویان اش می آموخت. می گفت آموزگار نباید تنها دانسته هایش را به آموزندگان وام دهد که فراتر از آن باید با آنها زندگی کند و همواره در کنارشان باشد.

بدین گونه، خانه و کتاب خانه و هست و نیست اش گشاده دستانه در دسترس دانشجویان و دوستان اش بود. می گفت جان مایه آموزش و پرورش پژوهش و همآموزی است و در این رهگذار، نه آموزگار فرایندی کشمند (بردهنده) است و نه آموزنده، وانگشگر (پذیرنده) که هر دو کشمگرد و همآموز، وی اما تکنولوژی را ساخته - پرداخته ی دربست غرب نمی دانست و آن را برابند گذار دانش و تجربه از جایی به جایی می دانست: "تکنولوژی کنونی که به غلط، غربی به شمار رفته - مانند علم - متعلق به همه ی بشریت است... آنچه در تمدن غربی قابل طرد است تکنولوژی و علم نیست... استثمار و استعمار... و امپریالیسم" است. ۱۹

رفیق آریان پور می گفت جامعه ی ایرانی بر اثر دشواری های زندگی و یورش و غارت پیگیرانه ی خارجی "بیش از بسیاری از جوامع به خشونت و دیکتاتوری کشانیده شده است... دیکتاتوری چنان در تار و پود زندگی فردی و جمعی ما راه یافته... که از پس مقولاتی که دیکتاتوری کهن به ما تحمیل کرده است به فرد، جامعه و جهان می نگریم" ۲۰ وی آموختن و پروردن را بهترین همآورد (رقیب) خودکامی می دانست و خواهان تکاپوهای گروهی و همبستگی ملی - جهانی بود: بی "اتلاف گروه های سیاسی، چندان کاری از پیش نخواهد رفت. اگر ما مردم در حد ائتلاف سیاسی، آزادمندی به خرج ندهیم، در مقابل دشمنان ریشه دار خود چگونه به آزادی دست خواهیم یافت و اگر دست یافتیم چگونه از آن پاسداری خواهیم کرد؟" ۲۱ وی اما در امانتداری چندان نمونه وار بود که تنها اگر واژه ای را از دانشوری آورده بود داده گان آن را از قلم نمی انداخت. برای نمونه در سال های پیشا انقلاب که نام بردن از حزب توده ی ایران و دانشوران آن خطرآفرین بود در زمینه ی جامعه شناسی خود به وام - واژه های رفیق احسان طبری اشاره کرد و نوشت که واژه های کلیدی "تاریک اندیشی... توده... دنباله اندیشی" ۲۲ را از او گرفته است.

در پی شیخون بهیمی آمریکا - اسرائیل - جمهوری اسلامی به حزب توده ی ایران بیمناک اندوهی بود که دشنه بر گلوگاه برخی از جوانان توده ای می کشید. نیز پس از فروپاشی اتحاد شوروی خواندن کتاب دکتر رنه رودلف ژاک سدی یو - تاریخ سوسیالیسم ها - ۲۳ را به همه پیشنهاد می کرد. می گفت: "خواستاری اجرای نظام سوسیالیستی... و عدالت اجتماعی، تاریخی دارد به بلندی تاریخ بشر. مفهوم عدالت، دگرگون و ژرف شده اما جوهره ی آن چندان تغییری نکرده است. این کتاب نشان می دهد که تاریخ سوسیالیسم از... حکومت های چند روزه ی سوسیالیستی آغاز شده به حکومت ده هفته ای کمونارهای پاریس رسیده و سرانجام در شوروی ۷۰ سال دوام آورده است... نخستین نمونه ها چند روزه بودند و این راه... آن قدر ادامه خواهد یافت که سرانجام حکومت سوسیالیستی ۷۰۰ ساله تشکیل شود و به تدریج جهان را و همه زمان را دربرگیرد... ۲۴ در ارزیابی های سیاسی وی اما سهم هریک از انگیزش های درونی و بیرونی در فروریزی کشور شوراها گنجانیده می شد. با این همه می گفت اگر در این کشور انسان پایدار تراز نو پدید آمده بود، سوسیالیسم هرگز از هم نمی پاشید: "هدف نهایی سوسیالیسم باید تربیت انسان ترازنو باشد. انسانی دانش پژوه، دگرخواه، عمل گرا، فروتن، مبارز، سربلند و شجاع. این انسان در شرایط جنگ، فقر و دشواری از آرمان خود دفاع خواهد کرد و تن به تسلیم و زبونی نخواهد داد." ۲۵ او یگانه راه دگرش و بالندگی جامعه را دگرگونی های بنیادین آن می دانست و برای رویکردی از این گونه خواهان آن بود: "که طبقات فرودست جامعه، هرچه زودتر سکان جامعه را از دست طبقات فرادست که سهمی در تولید دست آوردهای مادی و معنوی ندارند، بازستانند... وظیفه ی روشنفکران... جز بیداری طبقات فرودست و بخشیدن آگاهی و ایمان و امید در راه رسیدن به این هدف نیست..." ۲۶ و بدین گونه، ساز و کارهای چریکی و

ادامه آرمان گرای کهنه ستیز...

ماجرای جوانی را فرو رفتی خام دستانه و سکتاریستی (جداروانه) قلمداد می کرد. کلاس های درس رفیق آریان پور جای سوزن انداختن نداشت: انبوه دانشجویان و شیفتگان دانش دیوار او از دیگر دانشکده ها و از هر جای دیگر می آمدند و چنان دوره اش می کردند که از کلاس های همجوار تا ورودی دانشکده از جمعیت موج می زد.

از ویژگی های شیوانگاشی دکتر آریان پور یکی مثنوی های فلسفی - اجتماعی او است و دیگری شیوه ی نگارش روان و روشمند وی که برآیند چیرگی اش بر زبان پارسی است. چندان که هر جمله اش پیوندی ناگسستی با فراز پیشین دارد و خود درامدی است بر جمله ی واپسین و در نموداری از این گونه می شود "منطق، استدلال و نظم فکری او را... بازیافت" ۲۷ برای نمونه، به برگردان هوشمندانه اش از نمایشنامه ی دشمن مردم هنریک ایبسن بنگریم "که وقتی... روی صحنه آمد... ریش و کم/ نیازی به تغییر جمله ها، واژه ها و لحن ها در آن وجود نداشت." ۲۸ وی همچنین در ساخت و پرداخت واژه های نو پارسی چندان چیره دست بود که هم یک انبوهی از واژه های دانش - نوشت اش کاربرد گسترده یافته اند. یکی از فراگیرترین این واژه ها پسوندگرایی (گرو) به جای ایسم غربی است که خود در این باره در دیباچه ی سیر فلسفه در ایران (اقبال لاهوری) می نویسد: "ایسم های غربی را با پسوندگرایی با تایید... دکتر محمد باقر هونسیار، نخست در سال ۱۳۲۵ بار... بردم و اکنون زیانزد بسیاری از اهل علم و ادب است."

شیوه - نوشت استاد اما بر روش شگرف جدا نویسی استوار بود. بگونه ای که نه تنها واژه ها و کارواژه های درامیخته را برای شناخت ریشه و بن آنها جدا می نوشت (می روند، می آیند، می نگرند و...) که با نام ها و پسوندها و پیش وندها و... نیز به ویژه برای خوانش آسان تر آنها چنین می کرد: دانش - کده، دانش - گاه، می سی سی پی، سان فران سبیسکو، بی هوده و... رمزگشایی از حکمت چنین ویرایشی در گنجایش این جستار نیست اما برای نمونه، به همین واژه ی بی هوده بنگریم که اگر سر هم نوشته شود (بیهوده) شاید در بافتار ساده ی آن منش و معنای هوده (نتیجه، فایده) در سایه بماند و راه بر ریشه شناختی (ایتمولوژی) آن باز نشود.

از دیدن و شنیدن

پروفسور آریان پور در دیدارهای گاه و بیگاه اش با یک رفیق توده ای ناگفته هایی را بر زبان آورده که بازگفتش می تواند در شناخت بیشتر شخصیت این تهمتن اندیشه سودمند باشد. از جمله در روزهایی که کرسی استادی را از او گرفته بودند و از رادیو دولتی به او پرخاش می کردند، یکبار شماری از اوباش اجیر شده در نزدیکی خانه اش به جان او می افتند و د بزن! "اما چه باک که همگامی دانشجویان بیدار مغز و برخی از استادان مردم گرای کار خود را کرد و به دانشگاه برگشتم." ۲۹ روزی چند تابلوی مدرنیستی را به رفیق توده ای اش نشان داد و غمگینانه گفت: "پس از عمری تک و پو در بازنمایی هنر مردمی و واقع گروانه چه دردناک است که تو بیننده ی کارهای آوانگارد و انتی رئالیستی کسانی باشی که انتظارش را هم نداری!" او یکبار گفته بود که مردم در آینده ای نه چندان دور، قاف قاف به ما روزیانی می خندند و شگفت زده می گویند که در آن روزگار وقتی کسی می خواست از میانه ی شهر - مثلا - به شمشیران برود یک اتاق بزرگ آهنی (خودرو) را هم برمی داشت و با خود می برد! دکتر آریان پور این را هم به رفیق توده ای اش گفته بود که به ناچار خانه اش را فروخته و آن را دوباره از خریدار رهن کرده است و با مانده ی پولش باید آن قدر گذران کند تا اندوخته اش ته بکشد. او همچنین به شماری از تازه ترین کتاب هایش و از آن میان به فرهنگ تفصیلی علوم اجتماعی (پهنه ی فرهنگ فلسفه و جامعه شناختی) به زبان های فارسی، انگلیسی، فرانسه و آلمانی پرداخته و گفته بود که به کتاب هایش پروانه ی چاپ نمی دهند و این تنها راه گذران زندگی اش را هم بر او بسته اند. وی بیش از ۴۰ سال روی این فرهنگ غرورآفرین که بزرگترین فرهنگ تفصیلی دانش ها در ایران و از بزرگترین های جهانی است کار کرده و برای آن بیش از ۳۰۰ هزار فیش گردآورده بود.

قلم انداز

ارثیه فرهنگی رفیق آریان پور چندان پهنه ور است که پیراست (فهرست) کردن این همه از گنجایش نامه ی مردم بیرون است. در نگرشی کوتاه وار اما به جز کتاب هایی که نام شان در لابه لای این جستار آمده است، شماری دیگر از پرواوزه ترین این آفرینه ها (آثار) چنین اند:

بزرگ مردان تاریخ (برگرفته از دونالد کل روس پیتی)، رساله ای در باب دنیامسیم تاریخ، آئین پژوهش، ایبسن آشوب گرای، علم اخلاقی، آموزشگاه های فردا (جان دیویی)، دشمن مردم (هنریک ایبسن)، مرزهای دانش، تعلیمات اجتماعی برای سال های اول و سوم دبیرستان ها، متدولوژی تحقیق و ملاحظاتی، زمینه ی فلسفه ی امروز، ارمغان جنگ (دافنه دوموریه)، برگردان

تاریخ تمدن (ویل دورانت، کتاب اول بخش سوم و کتاب دوم بخش اول)، مقدمه ای بر آموزش و پرورش (جان دیویی)، علم اخلاقی (ارستو)، تدارک پژوهشنامه، رساله ی شناخت، و...

رفیق آریان پور همچنین در ۶۰ سال گذشته سدها (صدها) جستار علمی - فرهنگی در رسانه های کشور نوشته که پیراست کردنشان در اندازه های این نوشتار نیست. برای نمونه نگاه کنید به:

هنرناظر، (دفتر سوم فصل نامه ی شورای نویسندگان و هنرمندان ایران، بهار ۱۳۶۰، بازتاب انقلاب اسلامی ایران در هنرها و آیینده ی هنری ایران، همان رسانه، دفتر ششم، بهار ۱۳۶۰)، پویایی هستی، ماهنامه ی دنیا، شهریور و مهر ۱۳۵۸، پایگاه جهانی ابن سینا، (دنیا، شهریور ۱۳۵۹)، درباره ی آزادی، (هفته نامه ی سوگند، ۲۷ اسفند ۱۳۵۷)، اعتبار در دانشکده های ما، (ماهنامه ی بازتاب، پاییز ۱۳۵۹)، امپریالیسم و آموزش همگانی، (نشریه جوانان توده، ش سه، آذر ۱۳۵۹)، تربیت معلم، بنیاد آموزش و پرورش انقلابی، (پیام مردم، ۲۰ بهمن ۵۹)، تیغ دادن در کف زندگی مست، (رسانه ی جمعیت ایرانی هواداران صلح، تیر ۶۰)، آموزش و پرورش ایستا و پویا، (ماهنامه ی چیستا، تیرماه ۸۰)، منشأ هنرها، (صدف، آبان و آذر ۱۳۲۶)، جهان بینی شوین هاور، (جهان نو، آبان ۱۳۲۸)، همانندی فولکلور اقوام مختلف، (سپیده فردا، ۷ - ۱۳۳۶)، آغاز شعر و موسیقی، (ماهنامه ی سخن، مرداد ۱۳۴۰) و... همچنین می توان از دیباچه های روشننگر وی بر این کتاب ها نام برد: زناشویی و اخلاقی (برتراند راسل، گردیده ی ع. منظم)، فریود چه می گوید؟ (نصرا باب الحواجی)، ریشه ها عمیقند، (گو و دوسو)، جامعه شناسی در ایران، (دکتر علی اکبر مهدوی و دکتر عبدالعلی لرحسای زاده)، تاریخچه ی احزاب و حزب دمکرات ایران (صفر زمانی) و...

دوازده سال پیش بود که رفیق ارجمند ما پروفسور آریان پور رخت سفر بربست و از میان ما رفت. در این سال ها اما انبوه آفرینه های ژرف پویانه ی وی همواره در دست و در کنار ما بوده و جای تهی این دانشور بزرگ روزگاران را سبز کرده است. و چه کسی می تواند بگوید که او در گذشته است؟ آتشفشان ها خاموش می شوند اما از پا نمی افتند. یاد و نامش جاودانه باد.

بی نوشت

۱) برگرفته از یادمانده ی یک رفیق توده ای از سخنرانی رفیق آریان پور در شورای نویسندگان و هنرمندان ایران
۲) ماهنامه ی چیستا، آبان و آذر ۱۳۸۳، ص ۱۵
۳) اجمالی از جامعه شناسی هنر، ص ز دیباچه، چاپ سوم، فروردین ۱۳۵۴

۴) پسوند صفت ساز/یک از پسوندهای کاربردی در شاخه زبان های هند و ایرانی یا آریایی است که نمونه هایی از آن هنوز در زبان ما دیده می شود: باریک، تاریک، نزدیک، پازیریک، آسوریک در کتاب درخت آسوریک و...

۵) داده گان ۳

۶) mao tun

۷) داده گان ۳، ص ۲۰۱

۸) نام یکی از کتاب های دکتر آریان پور

۹) از سروده های دکتر آریان پور، جزوه ی گفت و گوی نمایندگان روشنفکران آزادی خواه اروپا با ا. ح. آریان پور، چاپ برایتون انگلیس، آبان ۱۳۵۷، ص ۱۴

۱۰) داده گان ۳، ص خ

۱۱) و ۱۲) و ۱۳) ماهنامه چیستا، تیر ۱۳۸۶، جستار امیر حسین آریان پور، فرهنگ آفرین، فرهنگ پژوه و فرهنگ گستر، نوشته دکتر حبیب قاسم زاده، ص ۷۵۰ به بعد

۱۴) نگا: داده گان ۸

۱۵) و ۱۶) نام دو کتاب از استاد آریان پور

۱۷) و ۱۸) چیستا، پیشین

۱۹) و ۲۰) و ۲۱) نگا: داده گان ۹

۲۲) چیستا، همان واژه های تاریک اندیشی، توده و دنباله روی در برابر: obscurentism, mass & followism

۲۳) تاریخ سوسیالیسم ها، گردانده ی دکتر عبدالرضا هوشنگ مهدوی، چاپ اول ۱۳۶۳، چاپ دوم ۱۳۶۶، نشر نو

۲۴) و ۲۵) و ۲۶) و ۲۷) و ۲۸) چیستا، پیشین

۲۹) نگا: داده گان شماره ۹

دور نوین مذاکرات ۵+۱، دور نمای گفتگوها، و دیپلماسی هسته‌ای رژیم ولایت فقیه

مذاکرات میان جمهوری اسلامی و کشورهای ۵+۱ بر سر پرونده هسته‌ای روز سه‌شنبه ۸ اسفندماه در آلمان پایتخت پیشین قزاقستان انجام پذیرفت. این مذاکرات پس از وقفه‌ای هشت ماهه و به دنبال بن‌بست نشست‌های قبلی برگزار گردید.

با شدت یافتن تحریم‌های مداخله‌جویانه علیه ایران و تحول‌های پراهمیت منطقه به ویژه حوادث سوریه و واکنش‌های صحنه سیاسی کشور، بررسی و رایزنی در عالی‌ترین سطح حکومت در خصوص راهکارهای مواجهه با اوضاع خصوصاً موضوع پرونده هسته‌ای از مدت‌ها پیش جریان داشت و نشانه‌هایی بسیار قوی از تصمیم به تغییر دیپلماسی هسته‌ای با شیب معین و ملایم در مواضع سران نظام دیده می‌شد.

چند ماه پیش از برگزاری نشست ۵+۱ در آلمان، خبرهای موثقی از ملاقات برخی نمایندگان رژیم ولایت فقیه با مقامات آمریکایی در نقاط مختلف جهان به صفحات روزنامه‌ها و رسانه‌های داخلی و خارجی درز پیدا کرد. همزمان تعدادی از چهره‌های بانفوذ حاکمیت زرمه مذاکره با آمریکا بر اساس منافع نظام را طرح و به شکل هدفمند تبلیغ کردند. بطورمثال ایسنا ۱۲ آذرماه گزارش داده بود، غلام علی حداد رییس فراکسیون اصول‌گرایان مجلس و مشاور ولی فقیه طی سخنانی معنادار و هدفمند در دانشگاه علامه طباطبایی گفته بود، «ایستادگی برای استقلال از اورانیوم (غنی‌سازی اورانیوم) ارزشمندتر است». همچنین محمد جواد لاریجانی در جریان چهل و چهارمین گردهمایی معاونان آموزشی دانشگاه‌ها در اواسط آبان ماه سال ۹۱ با صراحت هرچه تمام‌تر خاطر نشان ساخته بود: «اگر منافع نظام ایجاب کند با آمریکا و حتی در قعر جهنم هم با همه مذاکره می‌کنیم... مذاکره با آمریکا تابو نیست که ممنوع باشد».

در ارتباط با چنین موضع‌گیری‌هایی بود که پایگاه اطلاع‌رسانی کلمه اوایل آبان ماه نوشته بود: «بحث مذاکره با آمریکا تبدیل به داستانی پرفراز و نشیب شده... اما ظاهراً نظر تکیه‌گاه (کنایه به ولی فقیه است) هم در حال تغییر است. با شدید شدن تحریم‌های غرب علیه ایران و قرار گرفتن اقتصاد کشور در آستانه یک بحران بزرگ، شواهدی نشان‌دهنده تمایل بالاترین سطح حاکمیت به گفت و گو با آمریکاست. قطعاً پس از سی و چهار سال شعار دادن و تابو ساختن از یک موضوع مهم سیاسی، انجام چنین کاری ساده نیست».

دقیقاً در بطن و متن چنین فضایی بود که هیئت جمهوری اسلامی در مذاکرات هسته‌ای آلمان شرکت جست. این را نیز باید افزود با انتخاب اوامام برای بار دوم و تغییر و تحول‌های کابینه او و حضور افرادی مانند جان کری در مقام وزارت خارجه و چاک هیگل به عنوان وزیر دفاع، علایق مشخصی نیز از سوی کاخ سفید به سران رژیم گردید که نمونه آن مواضع صریح جوبایدن معاون رییس‌جمهور آمریکا در خصوص مذاکره مستقیم با ایران در جریان کنفرانس امنیتی مونیخ بود. برای درک بهتر این مجموعه شرایط توجه به گزارشی که روزنامه بهار ۶ اسفندماه یعنی سه روز پیش از برگزاری مذاکرات در آلمان منتشر ساخت خالی از فایده نیست. در این گزارش خاطر نشان می‌شود: «محمد خزاعی سفیر و نماینده دائم جمهوری اسلامی درباره مخالفت ایران برای مذاکره با آمریکا به استناد سخنان مقام معظم رهبری اعلام کرد، ممکن است افرادی بگویند جمهوری اسلامی ایران مخالف گفت و گو و تعامل است و این را بهانه‌ای برای غیرمنطقی خواندن ایران قرار دهند و در نتیجه به دنبال گزینه‌های جایگزین برای آن باشند، اما می‌باید تاکید کنم که آنها کاملاً اشتباه می‌کنند. ملت ایران ملتی منطقی است و هرگز مخالف گفت‌وگو با دیگر کشورها مانند آمریکا نبوده است». این سخنان سفیر دائم جمهوری اسلامی در سازمان ملل پس از مواضع معین خامنه‌ای و در آستانه برگزاری دور نوین مذاکرات هسته‌ای معنا و مضمون مواضع رژیم به ویژه پرونده هسته‌ای را آشکار می‌سازد و فارغ از هرگونه توضیح و تفسیری است.

دقیقاً در چنین فضایی شاهد برگزاری نشست ۵+۱ جمهوری اسلامی در آلمان بودیم. ویژگی این نشست علی‌رغم هیاهوی تبلیغاتی بلندگوهای رژیم ولایت فقیه که از «عقب نشینی غرب» داد سخن در می‌دهند، بن بست و شکست کامل دیپلماسی هسته‌ای ولی فقیه است. طی دو روز در آلمان و مذاکراتی فشرده سرانجام برخلاف دوره‌های قبلی بر سر ادامه مذاکرات و بسته‌های پیشنهادی توافق صورت گرفت و جمهوری اسلامی چارچوب دیپلماسی جدید هسته‌ای خود را به نمایش گذاشت. سعید جلیلی مذاکره کننده

ارشد جمهوری اسلامی در پایان مذاکرات ضمن مثبت ارزیابی کردن آن، بیانیه تیم مذاکره کننده جمهوری اسلامی را قرائت کرد. در این بیانیه آمده است: «برخی نکات که در این پاسخ (پاسخ ۵+۱) مطرح شده است با آنچه در قبل مطرح می‌شد واقع‌بینانه‌تر بود و سعی شده بود که در برخی موارد به دیدگاه‌های ایران نزدیک شود که این را مثبت تلقی می‌کنیم. اگرچه تا رسیدن به نقطه مطلوب فاصله زیادی داریم. گروه ۵+۱ پیشنهاد کرد گام‌های ملموسی برای ۶ ماه آینده و در جهت اعتمادسازی متقابل برداشته شود و پیشنهادهایی نیز در این زمینه ارائه شد... این گفت‌وگوها را گامی مثبت می‌دانیم که می‌تواند با رویکردی سازنده و برداشته شدن گام‌های متقابل تکمیل شود».

از سوی دیگر کاترین اشتون ریاست هیئت کشورهای ۵+۱ در پایان نشست و در واکنش به مواضع سعید جلیلی و بیانیه هیئت جمهوری اسلامی اعلام داشت: «امید دارم طرف ایرانی با دیدی مثبت به پیشنهادهایی که در اجلاس مطرح کردیم نگاه کند... هدف از پیشنهادهایی که ارائه دادیم، اعتمادسازی و ایجاد زمینه پیشرفت در حل این مسئله است. از شنیدن اینکه دکتر جلیلی دیدی مثبت داشته، خوشحالم اما معتقدم که باید ببینیم که کارشناسان ما در مرحله بعدی چه خواهند کرد».

علاوه بر اینها رسانه‌های بین‌المللی پس از پایان نشست آلمان از واکنش مثبت وزیران خارجه ایران و آمریکا گزارش‌هایی را منتشر ساختند.

علی‌اکبر صالحی وزیر خارجه جمهوری اسلامی که همزمان با سفر اروپایی جان کری در وین پایتخت اتریش به سر می‌برد، در پاسخ به پرسش خبرنگاران پیرامون مذاکرات هسته‌ای یادآور شد: «تحولی دیده می‌شود... به نظر من جلسه آلماتی یک نقطه عطف به شمار خواهد آمد... در مورد نتایج آن بسیار خوش‌بینم و این نتایج به سود دو طرف خواهد بود». جان کری وزیر خارجه جدید آمریکا نیز که در پاریس مشغول دیدار با مقامات فرانسه بود با تاکید بر مواضع کاخ سفید اعلام کرد: «واشنگتن آماده است تا با ایران گفت‌وگوهای دوجانبه برگزار کند... ایران می‌داند چه باید بکند، رییس‌جمهور (آمریکا) عزم خود را برای اجرای سیاست جلوگیری از دست‌یابی ایران به سلاح هسته‌ای به روشنی بیان کرده است... مذاکرات هسته‌ای جدید با ایران مفید بوده است».

چنین مواضعی به خوبی رویکردها و جزئیات ناگفته و منتشر نشده مذاکرات آلمان را در معرض دید قرار می‌دهد. به ویژه آنکه مایکل مان سخنگوی کاترین اشتون طی مصاحبه‌ای پس از پایان نشست، خاطر نشان ساخت، «پیشنهادی بازنگری شده» از سوی ۵+۱ به ایران ارائه شده است و ایران قرار است به بررسی این پیشنهاد بپردازد. شکست بن‌بست مذاکرات هسته‌ای و نشانه‌هایی از تحول در آن در عین حال شکست و ورشکستگی کامل دیپلماسی هسته‌ای چند سال اخیر ولی فقیه و اعوان و انصارش تلقی می‌شود که با اتخاذ سیاست‌های ماجراجویانه و ضد ملی و با مستمسک قرار دادن موضوع هسته‌ای برای حل و فصل مسایل خود با آمریکا و اروپا، سبب خسارت‌های جدی و جبران‌ناپذیر به کشور و مردم شده‌اند. آنچه در اولویت سیاست‌های ارتجاع در مذاکرات هسته‌ای قرار دارد، مانند گذشته «حل و فصل مشکلات و معضلات» با امپریالیسم در جهت تأمین و تضمین بقای نظام است. اینک موضوع هسته‌ای به یکی از عامل‌های جدی تغییر و تحول‌های صحنه سیاسی کشور در آستانه انتخابات ریاست جمهوری تبدیل شده و تمام تلاش ولی فقیه و ارتجاع حاکم مانور بر روی این مسئله در پیوند با ترکیب، جهت‌گیری و سمت و سوی سیاست‌های آینده نظام است. فراموش نباید کرد رویکرد جدید مذاکرات از سوی رژیم ولایت فقیه به معنای تأمین منافع ملی و حقوق مردم کشور و رهایی از سایه سنگین و ویرانگر تحریم‌ها و مداخله خارجی نیست. رویکرد و دیپلماسی جدید هسته‌ای تلاشی برای در خدمت حفظ منافع نظام و تضمین آینده آن است.

حزب ما همچنان که در گذشته نیز تاکید کرده همراه با دیگر حزب‌ها و نیروهای ملی و میهن‌دوست کشور، خواستار رفع تحریم‌ها، پایان تنش در روابط خارجی و تأمین حقوق حقه و منافع ملی ایران است. همچنین ما بر حق کشور برای برخورداری از انرژی هسته‌ای در چارچوب ضابطه‌ها و تعهدات بین‌المللی در کنار رفع خطر جنگ و مداخله و تحریم تاکید کرده و می‌کنیم. بی‌گمان ارتباط با همه کشورهای جهان بدون استثناء و برقراری روابط متقابل سودمند و اقدام و اعتمادسازی مبنای واقعی حل پرونده هسته‌ای و تضمین حقوق غیرقابل انکار ایران است.

در سوگ رهبر خلقی ز حمتکشان ونزوئلا

هوگو چاوز، رئیس جمهوری منتخب مردم ونزوئلا، پس از ماه ها مبارزه با بیماری سرطان، سرانجام روز سه شنبه گذشته، ۱۵ اسفندماه ۱۳۹۱، در کاراکاس، پایتخت ونزوئلا، درگذشت، و بیش و پیش از همه، مردم ونزوئلا را سوگوار کرد. او در زمان مرگ ۵۸ سال داشت. هوگو چاوز که فارغ التحصیل دانشکده افسری بود، پیش از ورود به فعالیت سیاسی، افسر ارتش (چترپاز) بود. او در سال ۱۳۷۱ به علت فعالیت های سیاسی برضد رژیم حاکم وقت، به ۲ سال زندان محکوم شد. او در ادامه فعالیت های سیاسی اش، به رهبری حزب سیاسی ای موسوم به "جنبش جمهوری پنجم" رسید، که در سال ۱۳۷۶ بنیاد گذاشته شد. در انتخابات ریاست جمهوری ونزوئلا در سال ۱۳۷۷، او در مقام نماینده همین حزب، و با تبلیغ و تکیه بر آرمان های "بولیواری"، شعار "سوسیالیسم قرن بیستم"، مقابله با فساد رژیم حاکم در کشوری که بالقوه یکی از ثروتمندترین کشورهای منطقه بود، و انجام اصلاحات اقتصادی، وارد کارزار انتخاباتی شد که با رأی زیاد مردم توانست پیروز شود. او در دو انتخابات دیگر نیز به پیروزی رسید، و در مجموع از ۱۳ بهمن ماه ۱۳۷۷ تا ۱۵ اسفند ماه ۱۳۹۱ که درگذشت، نزدیک به ۱۴ سال ریاست "جمهوری بولیواری ونزوئلا" را به عهده داشت.

هوگو چاوز در دوران رئیس جمهوری اش، توانست کارنامه بسیار درخشانی از اصلاحات عمیق اقتصادی- اجتماعی را در کشور و رهبری آن، از خود به جای گذارد. تحقق عدالت اجتماعی و اقتصادی از برنامه های اصلی او و هوادارانش بود. چشمگیرترین عرصه های فعالیت او، طرح و به اجرا گذاردن سیاست های مبتنی بر تغییر شرایط اجتماعی در درون کشور به نفع توده های مردم زحمتکش بود. از جمله نخستین اقدام های او، ملی کردن صنعت نفت و شرکت های بزرگی بود که در مالکیت سرمایه داران بزرگ و وابسته به قدرت های بزرگ امپریالیستی بودند. به موازات سیاست های رادیکال به نفع زحمتکشان در داخل کشور، بر پایه آموزش های سیمون بولیوار (متولد سال ۱۸۷۳ در کاراکاس)، رهبر جنبش ضد استعماری آمریکای لاتین برضد استعمارگران اسپانیایی، چاوز طرح های اتحادگرایانه و مبتکرانه ای را برای مقابله با سیاست های نولیبرالی ایالات متحده آمریکا در کشورهای آمریکا جنوبی به طور موفقیت آمیزی رهبری کرد. همین اقدام های مردمی او بود که در عین کسب محبوبیت برای او در بین مردم عادی ونزوئلا، خشم صاحبان سرمایه های بزرگ و حامیان امپریالیستی آنان را موجب شد. کودتای سران نظامی کشور برضد او و برکنار کردن او از قدرت برای چند روز، در بهار ۱۳۸۱، ناشی از همین خشم و تلاش غارتگران ثروت کشور برای بازپس گرفتن موضع هایی بود که در جریان ملی کردن از دست داده بودند. با حمایت گسترده مردمی، او مجدداً به قدرت بازگشت و در همه پرسی تابستان ۱۳۸۳، اکثریت مردم ونزوئلا به باقی ماندن او در مقام ریاست جمهوری رأی دادند، رئیس جمهوری که برای قطع دست چپاولگران ثروت های ملی کشور و از میان بردن فقر و بیکاری گسترده مردم، تلاش زیادی کرده بود. در دوران ریاست جمهوری هوگو چاوز، میلیون ها ونزوئلایی برای نخستین بار از نعمت خدمات بهداشتی و درمانی برخوردار شدند. فقر شدید تا ۷۰ درصد کاهش یافت، و دسترسی به آموزش همگانی به طور چشمگیری افزایش پیدا کرد، به طوری که بی سواد عملاً ریشه کن شد. در سال های پس از رکود اقتصادی بین المللی در ۲۰۰۸، برخلاف بسیاری از دیگر کشورهای دنیا، از اقدام های ریاضتی در ونزوئلا خبری نبود. و شاید از همه مهم تر این بود که، طی این سال ها، مردم ونزوئلا که هرگز از سوی حکومت های پیشین به حساب آورده نمی شدند، به واقع در تعیین سرنوشت خود مشارکت کردند و عزت و سرفرازی ملی خود را بازیافتند. هوگو چاوز روابط دوستانه نزدیکی نیز با نیروهای چپ ونزوئلا داشت، و از جمله در نخستین سال های ریاست جمهوری اش در حکم سخنران، مهمان کنگره حزب کمونیست ونزوئلا بود. او در سال ۲۰۱۰ با فراخوانی برای اتحاد

تشیلاتی اکثر نیروهای چپ طرفدار اصلاحات "بولیواری" مورد نظر خود، حزب متحد سوسیالیستی ونزوئلا را در مقام بزرگ ترین حزب چپ آمریکای لاتین با ۷/۵ میلیون عضو به وجود آورد.

در پهنه آمریکای لاتین نیز هوگو چاوز از بیان صریح نظرش درباره غارتگران بین المللی ثروت های کشور، و به ویژه سران آمریکا، ابایی نداشت. برای تحکیم و تقویت استقلال ملت های این منطقه و رها کردن منطقه از تسلط غاصبانه امپریالیسم آمریکا و همدستانش که آنجا را به قول معروف "حیات خلوت" خود می دانستند، تلاش های زیاد کرد. از جمله، در برابر پیمان های تجارت آزاد امپریالیستی (شبه "فتا" میان آمریکا و مکزیک و کانادا) که صرفاً به قصد غارت منابع طبیعی و استفاده از نیروی کار ارزان به سود شرکت های بزرگ بین المللی آمریکایی و کانادایی و مشابه آن تدوین شده بود، ایجاد یک سازمان همکاری های منطقه ای را پیشنهاد کرد که امروز آن را به نام "اتلاف بولیواری برای ملت های قاره آمریکای ما" (آلبا، ALBA) می شناسیم. هدف "آلبا" همکاری های برابر حقوق منطقه ای اقتصادی (اجتماعی و سیاسی) بر اساس آرمان رفاه اجتماعی مردم، یاری متقابل میان ملت های این منطقه، و تجارت پایایی میان کشورهای عضو است. کوبا، بولیوی، اکوادور، و نیکاراگوئه، از جمله اعضای این سازمانند که اکنون ۸ عضو اصلی و ۲ عضو مهمان دارد. در دوران ریاست جمهوری هوگو چاوز، ونزوئلا به پیمان "بازار مشترک جنوبی" آمریکای لاتین (مرکوسور) پیوست، و یکی از کشورهای بنیادگذار "اتحادیه ملت های آمریکای جنوبی" (یوناسور) بود. هوگو چاوز و دولت او همواره از یاران نزدیک کوبا و دولت سوسیالیستی آن بودند که بیش از ۵۰ سال است که در معرض تحریم های سنگین آمریکا قرار دارد. ونزوئلا نفت ارزان قیمت به کوبا صادر می کرد و از خدمات آموزگاران و پزشکان و دیگر کارشناسان حرفه ای کوبایی برخوردار بود. در عین حال، دولت چاوز که آمریکا را یکی از برنامه ریزان و اجرا کنندگان کودتای نظامی سال ۱۳۸۱ برضد دولتش می دانست، تهدید به قطع صادرات نفت کرد. با وجود این، دولت هوگو چاوز در جریان توفان و باران های سیل آسای "کاترینا" و "ریتا" در جنوب ایالات متحد آمریکا که کار بسیاری از پالایشگاه ها را مختل و متوقف کرده بود، با فرستادن سوخت خانگی به این مناطق، سهم شایانی در عرضه کمک های مردمی بازی کرد. موج رخدادهای مردمی ای که با پیروزی چاوز در ونزوئلا آغاز شد، خیلی زود دیگر کشورهای آمریکای لاتین را دربر گرفت. پیروزی نیروهای مردمی و عدالت خواه در کشورهایی مثل اکوادور، بولیوی، نیکاراگوئه، پاراگوئه، پرو، در کنار حضور نیروهای ترقی خواه در قدرت در کشورهایی مثل آرژانتین و برزیل، جنبش آزادی خواهی، استقلال طلبی، و عدالت جویی در این منطقه از جهان را توان بخشید. در مقایسه با دوره دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ میلادی، زمانی که کشورهای آمریکای لاتین در قبضه حکومت های نظامی پشتیبانی شده از سوی آمریکا بودند، امروزه می توان به جرأت گفت که بسیاری از این کشورها و ملت ها چهره مستقل کاملاً متفاوتی یافته اند.

در عرصه جهانی نیز هوگو چاوز تلاش زیادی برای نزدیکی با نیروهای مترقی و چپ، و نیز کشورهایی می کرد که مخالفت خود را با سلطه گری امپریالیسم ابراز می کردند. او از هواداران جدی صلح و مخالف سرسخت تجاوز آمریکا به عراق بود. هوگو چاوز یکی از حامیان "اتلاف آفریقا- آمریکای جنوبی" بود که دومین نشست آن در سال ۱۳۸۸ با شرکت سران ۴۹ کشور آفریقایی و ۱۲ کشور از آمریکای لاتین در ونزوئلا برگزار شد. او در پیامی که چند روز پیش از مرگش برای سومین نشست این ائتلاف در گینه استوایی فرستاد، اظهار امیدواری کرد که ائتلاف این کشورها یک "قطب واقعی قدرت" به وجود آورد. در سال های ریاست جمهوری هوگو چاوز، ونزوئلا با هدف یاری به جنبش های رادیکال سیاسی چپ در جهان همچنین میزبان جشنواره جهانی جوانان و دانشجویان (در سال ۱۳۸۴)، کنگره بین المللی شورای جهان صلح (در سال ۱۳۸۷)، و کنگره چهاردهم فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان (در سال ۱۳۸۶)، بود.

درگذشت این رهبر مردمی و ترقی خواه تنه تنه ضایعی است برای مردم ونزوئلا که یک حامی میهن دوست را از دست دادند، بلکه برای کشورها و ملت های آمریکای لاتین نیز گران است که یک شخصیت استقلال طلب و عدالت خواه مؤثر را از دست می دهند. انبوهی از شخصیت ها و حزب های مترقی و چپ، از جمله حزب های کمونیست جهان و در میان آنها حزب توده ایران، ضمن ابراز تأسف از درگذشت این دوست مردم، و ابراز همبستگی با مردم ونزوئلا، برای آنان در ادامه راه هوگو چاوز برای حفظ استقلال کشور و تعمیق اصلاحات اقتصادی و اجتماعی آرزوی موفقیت کرده اند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران، در پیامی به رهبری حزب کمونیست ونزوئلا، مراتب تأسف خود از مرگ هوگو چاوز، رهبر خلقی زحمتکشان این کشور را اعلام و تسلیت گفت.

ادامه پیام های احزاب کمونیستی و کارگری...

اقدام های سرکوب گرانه برضد جنبش مردمی ایران، نگرانی عمیقی وجود دارد. این نکته بسیار مهم است که، حمایت از آرمان صلح و محکوم کردن تهدیدهای امپریالیستی از خارج برضد ایران، باید با دفاع از حقوق بشر و حقوق دموکراتیک مردم ایران همراه باشد. این یکی از درس های حیاتی تجربه عراق است، که بر هم پیوندی تنگاتنگ میان مبارزه در راه صلح و دموکراسی، و ضرورت تأمین و حفظ ارزش های حقوق بشر تأکید دارد. این موضوع به ویژه در امر برپا داشتن جنبش کارآی همبستگی بین المللی [با ایران] دارای اهمیتی ویژه است، [یعنی] جنبشی که همواره و به طور پی گیر در کنار مردم و نیروهای دموکراتیک کشور مربوطه بایستند، و از رویکرد یک جانبه و زیان باری که چشم خود را به روی نقش حقوق بشر و حقوق دموکراتیک می بندد، پرهیز کند.

ما با شما هم عقیده ایم که، این حق خود مردم ایران است که درباره سرنوشت خود، به اراده آزاد خود تصمیم بگیرند، آینده کشور خود را شکل دهند، و به صلح، دموکراسی، و پیشرفت دست یابند.

رفقای گرمی،

از همین فرصت استفاده می کنیم و مراتب حق شناسی و سپاس خود را نسبت به همبستگی انترناسیونالیستی آن حزب برادر با کمونیست ها، دموکرات ها، و مردم عراق، ابراز می کنیم. پیام شادباش شما به نهمین کنگره سراسری حزب ما که در ماه مه (اردیبهشت) سال گذشته برگزار شد، با استقبال گرم بیش از ۲۶۰ عضو شرکت کننده در کنگره روبه رو شد.

رفقای گرمی،

هیچ کشوری در خاورمیانه در برابر پیامدهای توفان تغییر و دگرگونی ای که از حدود دو سال پیش این منطقه را در بر گرفته است، مصون نمانده است؛ اگرچه هر کشور مشخصه ها و جزئیات ویژه خود را داشته است. این جنبش گسترده برای تغییر، بار دیگر نشان داد که دگرگونی ها و رویدادهای عظیم و ریشه ای و بنیادی، به وسیله ملت ها، وقتی به منافع خود آگاه می شوند، و با اراده آزاد خود آن ها صورت می گیرد. ملت ها همیشه سازندگان تاریخ بوده اند و خواهند بود. عامل های درونی همچنان نیروی محرکه اصلی اند. البته تردیدی نیست که عامل های بیرونی نیز اثر و نفوذ خود را دارند، اما نقش آن ها نسبت به عامل های درونی ثانویه است، و البته باید توجه داشت که این دو عامل بر یکدیگر تأثیر متقابل نیز دارند. آنچه رخ داده است، در کل، رخدادی خودجوش و بی مقدمه نبوده، بلکه نتیجه انباشتی درازمدت بود. همچنین، شکی نیست که این خیزش ها و اقدام های توده ای مردم جدا از بحران های نبودند که سیاست های اقتصادی "درهای باز" و نولیبرالیسم به وجود آورده بودند. اداره اقتصاد کشور بر اساس نسخه های صندوق بین المللی پول و "بانک جهانی"، که به وجود آورنده پدیده قطبی شدن ثروت، محرومیت میلیون ها تن از مردم، گسترش بیکاری و وخیم تر شدن شرایط زندگی بوده اند، عامل این بحران ها بوده است.

جنبش ها و خیزش های توده ای مردمی در این منطقه بی تردید موفقیت هایی به همراه داشته است، و رژیم هایی را سرتگون کرده است که به نظر می آمد جایگاهی محکم داشتند. اکنون مسلم شده است که اوضاع به آنچه پیش از ژانویه ۲۰۱۱ (بهمن ماه ۱۳۸۹) برقرار بود، باز نخواهد گشت. اما مردمی که به پا خاستند، هنوز راه درازی در پیش دارند. این مسیری است دشوار و پر از پیکار، میان آنان که می خواهند انگل وار ثمره مبارزه مردم را غصب و از آن خود کنند، و آنان که می خواهند جنبش مردمی توده ها را به سرانجام پیروزمند خود برسانند و گزینه مطلوب مردم را عملی کنند: رژیم های مدنی دموکراتیکی که در آن ها مردم از عدالت اجتماعی برخوردار گردند.

همان طور که در تبادل نظر ها و موضع گیری های مشترک توافق شده از سوی حزب های برادر در منطقه، در دو سال گذشته، خاطر نشان شده است، نهایت هشباری در برابر دسیسه های امپریالیستی، صهیونیستی، و محفل های ارتجاعی ای که در صدد خرابکاری و کارشکنی در خیزش انقلابی ملت های عرب اند، ضرورت تام دارد. مخالفت و مقاومت در برابر همه تلاش های امپریالیسم آمریکا و همه متحدانش، از طریق "تاتو" یا راه های دیگر، به منظور به راه انداختن آتش جنگ و مداخله نظامی برای رسیدن به هدف تسلط بر کشورهای منطقه و مقهور کردن ملت های این کشورها، از اهمیت زیادی برخوردار است. بنابراین، فعال تر کردن نقش "چپ" در جنبش های اجتماعی، و تدوین بینش سیاسی ای انتقادی نسبت به رژیم های موجود در این منطقه، ضرورت مبرم دارد. هدف اصلی برنامه تغییری که نیروهای "چپ" تدوین می کنند می بایست برقراری رژیم دموکراتیک ملی ای با گرایش سوسیالیستی باشد که جایگزین رژیم های وابسته و گوش به فرمان موجود بشود. در این

عرصه، "چپ" باید بکوشد کارگران، دهقانان، روشنفکران ترقی خواه، و دیگر قشرهای اجتماعی را در جنبشی توده ای بسیج کند تا از این راه بتوان به تغییر دموکراتیکی واقعی دست یافت. وظیفه های اصلی چنین جنبشی، مبارزه در راه عملی شدن جنبه های در هم گره خورده دموکراسی را دربر می گیرد، که عبارتند از: دموکراسی سیاسی و دموکراسی اجتماعی. دست یافتن به دموکراسی و برپایی حکومت قانون و نهادهایی که مبتنی بر اصول شهروندی اند، ضامن پیشگیری از تفرقه های متعصبانه و فرقه گرایی خواهد بود. از این لحاظ، دفاع از حقوق بشر، به ویژه حقوق زنان، حقوق دموکراتیک بنیادی و حقوق سندیکایی، اهمیت فراوانی برای "چپ" دارد، چرا که بخشی و مجموعه ای از کل مسئله های بزرگ ملی اند.

رفقای گرمی،

پایان یافتن حضور نظامی آمریکا در کشور ما در پایان سال ۲۰۱۱ (۱۳۹۰ خورشیدی)، پیروزی ای برای اراده مردم عراق و گام مهمی در راه بازبانی استقلال کامل و حق حاکمیت ملی بود که برآمد اتفاق نظری ملی و موضع گیری متحد مردم بود. حزب کمونیست عراق هرگونه تلاش برای ادامه حضور نظامی خارجی در خاک عراق را به هر بهانه یا عنوانی، مردود دانسته و با آن مخالف است. ما همچنین بر این باوریم که، یکی از پیش شرط های لازم برای حاکمیت و استقلال کامل، و پایان دادن به سرسپردگی عراق بر اساس فصل ۷ منشور سازمان ملل متحد، و مخالفت قاطع در برابر طرح های آزمندانه برخی از کشورهای همسایه است که از آشتفتگی اوضاع و وضعیت دشوار عراق سوءاستفاده می کنند.

عراق در بحران سیاسی ای ژرف دست و پا می زند که از زمان انتخابات پارلمانی ماه مارس ۲۰۱۰ (اسفندماه ۱۳۸۸) تا کنون ادامه دارد. ریشه های این بحران در نظام مشارکت قدرت فرقه ای - قومی است که از سال ۲۰۰۳ (۱۳۸۱ خورشیدی) تا کنون برقرار است. این بحران، درها را به روی مداخله بیش از پیش نیروهای خارجی، به ویژه آمریکا و نیروهای منطقه ای، باز گذارده است. همچنین، برنامه کار نیروهای سیاسی حاکم و ستیز آن ها را بر سر حفظ امتیازهای خود و موقعیت خود در قدرت سیاسی آشکار کرده است، و این در حالی است که رنج و خشم مردم در نتیجه بیکاری لگام گسیخته، فساد اداری، وضعیت وخیم خدمات عمومی از جمله بهداشت و آموزش، و نیز بدتر شدن وضعیت امنیت کشور، شدت یافته است.

حزب ما از جنبش های اعتراضی توده های مردم که خواهان اصلاح ریشه ای اند و مشارکت فعال جوانان [در این جنبش ها] مشخصه بازار آن ها است، حمایت کرده است. این جنبش ها، سیاست های ضد دموکراتیک حاکمان و ورشکستگی نظام مشارکت فرقه ای - قومی قدرت را افشا کرده اند. این جنبش ها همچنین، خواهان انجام اقدام های قاطع برضد فساد ای اند که حکومت را در بر گرفته است. حزب ما دخالت حکومت در امور سندیکاهای کارگری، انجمن های حرفه ای، و سازمان های مدنی اجتماعی، را قاطعانه محکوم کرده است. در ماه های سپتامبر و اکتبر ۲۰۱۲ (مهر و آبان ماه ۱۳۹۱)، به رغم تحریک ها و تهدیدهای گروه های بانفوذ حاکمیت که تلاش کردند در اراده کارگران خدشه وارد کنند و سرکردگی خود را بر سندیکاها تحمیل کنند، هزاران کارگر در انتخابات آزاد سندیکایی شرکت کردند. نقطه اوج این انتخابات، برگزاری کنفرانس ملی فدراسیون سراسری سندیکاهای عراق در روز ۶ نوامبر ۲۰۱۲ (۱۶ آبان ماه ۹۱) بود.

در هفته های اخیر، کشور ما شاهد رخداد جدیدی در بحران سیاسی بود که خطری جدی محسوب می شود و صلح و بافت ملی کشور را تهدید می کند. حزب ما از دولت خواسته است که هرچه زودتر و جدی تر به خواست های عادلانه و برحق مردم پاسخ دهد. حزب ما برضد توسل به خشونت نسبت به تظاهرات صلح آمیز مردم هشدار داده است. آتش گشودن یک واحد نظامی بر روی یکی از تظاهراتی که اخیراً در فلوجه برپا شد، قاطعانه تقبیح و محکوم شده است.

رفقای گرمی،

حزب ما که نیروی عمده چپ در عراق را نمایندگی می کند، تلاش خستگی ناپذیری در راه دستیابی به وحدت عمل در میان نیروهای دموکراتیک به خرج داده است و می دهد. حزب ما نقش پیشاهنگ در ایجاد "جریان دموکراتیک" می داشته است که در اکتبر ۲۰۱۱ (آبان ماه ۱۳۹۰) فعالیت خود را در بغداد آغاز کرد. حزب ما با جدیت می کوشد که این نهاد را به نیروی عمده کارایی در مبارزه شدت یافته جاری بر سر آینده عراق، متحول کند. این بینش، مستلزم کوششی بیشتر برای درگیر کردن جنبش سندیکایی و

ادامه پیام های احزاب کمونیستی و کارگری...

امپریالیستی تازه خواهد بود.

امروزه، و با توجه به امکان پیش آمدن چنین اوضاعی، آماده سازی ویژه جنبش کارگری و مردمی ضرورت می یابد. تشدید مبارزه، با هدف مقابله با انحصارهای سرمایه داری، تشدید تقابل ایدئولوژیکی با این هدف که نیروهای مردمی زیر پرچم این یا آن قطب امپریالیستی به دام نیفتند، مقابله با "میهن پرستان" بورژوازی، ناسیونالیست های خرده بورژوا، و نیز فاشیست ها، و جریان های سیاسی اپورتونیست که در شرایط بحران سر بلند می کنند، ضرورت دارد. میهن دوستی معاصر در این شرایط، در مبارزه برای الغای استثمار و سرنگون کردن سرمایه داری تبلور می یابد.

در یونان، حزب کمونیست یونان در شرایط دشواری پیکار می کند، که بحران در حال عمیق تر شدن است و قشرهای گسترده مردمی به یأس و درماندگی کشانده می شوند. این در حالی است که روند تغییر شکل دادن به ساختار سیاسی شتاب گرفته است، و تلاش پدافتمانی برای باز یابی سوسیال - دموکراسی به دست حزب اپورتونیست "سیرزا" صورت می گیرد.

حزب کمونیست یونان با هرگونه پشتیبانی از آن نیروهای سیاسی ای که از این یا آن فرمول بندی مدیریت اوضاع برای تداوم و بقای سرمایه داری حمایت می کنند، مخالف است. ما برای تجدید سازمان جنبش کارگری و در راه ایجاد "اتلاف مردمی" ای مبارزه می کنیم که منافع طبقه کارگر، نیمه پروتلرها، خودشاعل های شهری، و روستایی را نمایندگی می کند. هدف این اتلاف و مبارزه، گرفتن قدرت از دست انحصارها و اجتماعی کردن وسایل تولید است که در دست آنها متمرکز شده است.

حزب ما به ضرورت تقویت "جنبش بین المللی کمونیستی"، و فعالیت مشترک حزب های کمونیست و کارگری معتقد است. به همین دلیل، حزب ما به تلاش خود برای تشکیل "قطب کمونیستی" و نیز ادامه نشست های بین المللی، موضوعی، و منطقه ای حزب های کمونیست و کارگری، و مخالفت با طرح های "گسترده تر کردن این نشست ها" و شرکت دادن نیروهای به اصطلاح چپ در آن ها و تغییر دادن ماهیت آن ها، ادامه خواهد داد. ما همچنان به حمایت خود از سازمان های ضدامپریالیستی بین المللی ادامه خواهیم داد.

با توجه به آنچه گفته شد، موفقیت کامل شما در برگزاری کنگره و تحکیم هرچه بیشتر روابط برادرانه میان دو حزب را آرزو داریم.

کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان

پیام حزب کمونیست آلمان، به مناسبت برگزاری ششمین کنگره حزب توده ایران

رفقای گرامی،

"حزب کمونیست آلمان" [د.ک.ا.پ]، به مناسبت برگزاری "ششمین کنگره" شما، درودهای صمیمانه خود را تقدیم تان می کند. برای شما در بحث ها و تصمیم گیری های کنگره، و به ویژه در مورد "برنامه نوین حزب توده ایران"، آرزوی موفقیت داریم.

حزب شما از زمان بنیادگذاری اش در بیش از ۷۱ سال پیش، همواره در راه صلح، دموکراسی، و سوسیالیسم رزمیده است. در این راه هزاران تن از اعضای حزب شما زندانی، شکنجه، و اعدام شده اند. امروز در ایران نیروهای چپ دموکراتیک و رفقای حزب توده ایران برای پایان دادن به [حاکمیت] ارتجاع و برقراری دموکراسی، و برای پیشرفت کشور و رسیدن به سوسیالیسم، پیکار می کنند.

ایران بیش از پیش در مرکز مناقشه ها و برخوردهای عمده روزگار ما قرار می گیرد. شرایط ناپایدار در منطقه، در کنار تلاش امپریالیسم برای تحمیل قدرتش، فضایی را به وجود آورده است که ممکن است به جنگ های نظامی و داخلی بیشتری منجر شود. اوضاع کنونی سوریه، مصر، و فلسطین خود تأکیدی است بر این وضعیت نگران کننده.

حزب توده ایران در برنامه نوین اش قطعاً گزینه های گوناگونی را در امر یافتن راه حل برای اوضاع موجود مطرح خواهد کرد. برنامه شما [در اوضاع کنون جهان] سهم ارزنده و مهمی در بحث ها و تبادل نظرهای بین المللی جاری و شکل گیری دیدگاه های نیروهای ترقی خواه در میان احزاب چپ و کمونیست و کارگری خواهد داشت.

ضمن ابراز همبستگی با شما، بار دیگر بر حفظ روابط دوستانه خود با حزب توده ایران تأکید می کنیم.

با درودهای کمونیستی،

بتینا یورگنسن

صدر حزب کمونیست آلمان [د.ک.ا.پ]
۹ فوریه ۲۰۱۳ [۲۱ بهمن ماه ۱۳۹۱]

پیام شادباش حزب کمونیست عراق به ششمین کنگره حزب توده ایران

رفقای گرامی،

گرم ترین درودهای حزب کمونیست عراق را تقدیم شما می کنیم و برای کنگره ششم حزب برادر، حزب توده ایران، و همه شرکت کنندگان در آن کنگره، آرزوی موفقیت فراوان در بحث ها و تصمیم گیری ها داریم.

ما تردید نداریم که کنگره ششم شما نقطه عطف دیگری در تاریخ پیکار قهرمانانه حزب توده ایران در بیش از ۷ دهه فعالیت در راه رهایی ایران از تسلط استعمار و امپریالیسم و یوغ ارتجاع و دیکتاتوری خواهد بود. کنگره شما تشکیلات حزب را نیرومندتر خواهد کرد و با دفاع پی گیر از منافع و حقوق دموکراتیک طبقه کارگر و مردم ایران، موفقیت حزب را در جامعه تقویت خواهد کرد. این کنگره همچنین به شکل گیری عمل مشترک نیروهای ترقی خواه ایران کمک خواهد کرد، [یعنی نیروهای ترقی خواهی] که در راه صلح، دموکراسی، حقوق بشر، و عدالت اجتماعی، و بر ضد نیروهای ارتجاعی و دسیسه های امپریالیستی می رزمند. این کنگره به ترویج و ارتقای هدف ها و آرمان های سوسیالیستی نیز کمک خواهد کرد. از این لحاظ، کنگره ششم شما به رشد نقش فعال حزب توده در نیرومندتر کردن همبستگی بین المللی بر ضد سیاست های جنگ طلبانه امپریالیسم و بورژوازی جهانی سازی سرمایه داری، و ضرورت حمایت واقعی از مبارزه های جاری در سراسر جهان، به ویژه در خاورمیانه، به منظور دستیابی به صلح، آزادی، دموکراسی، و پیشرفت اجتماعی، یاری خواهند رساند.

کنگره شما فرصت مناسب دیگری است برای ادای احترام و فرستادن درود به خاطر جمع بزرگی از رهبران و کادرهای حزب توده که میهن دوستانی حقیقی بودند و جان خود را در راه اندیشه های والای کمونیسم، دفاع از آرمان های عادلانه مردم و طبقه کارگر ایران فدا کردند. این انسان های نمونه، سرمشق و الهام بخش نسل های آینده کمونیست ها در سراسر جهان هستند و خواهند بود.

مایه افتخار کمونیست های عراقی است که در دهه های گذشته، به رغم آنکه هر دو حزب ما، در معرض سرکوب و ترور رژیم های پی در پی ارتجاعی و ضد کمونیستی بوده اند، روابط ویژه میان دو حزب ما تقویت گردیده است. در این زمینه، از رابطه استثنایی میان دو حزب در دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ میلادی (۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ خورشیدی) یاد می کنیم، که به رغم شرایط دشوار پس از کودتاهای فاشیستی "سیا" ساخته و اعدام های جمعی و ترور فاشیستی کمونیست ها و دموکرات ها، شکل گرفت. بار دیگر در پایان دهه ۱۹۷۰ میلادی (۱۳۵۰ خورشیدی) و اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی (۱۳۶۰ خورشیدی) شاهد همین روح و شور انترناسیونالیستی درخشان بودیم. در جریان جنگ خونین ایران - عراق، که ۸ سال به درازا کشید، و پیامدهای فاجعه باری داشت و در آن صدها هزار تن از مردم از هر دو طرف کشته شدند، کمونیست های ایرانی و عراقی نیروی پیش برنده کارزاری بین المللی به منظور پایان دادن به جنگ و برقراری صلح و دموکراسی در هر دو کشور بودند.

کمونیست های عراقی این میراث انترناسیونالیستی را گرامی می دارند، و در مبارزه مشترک در راه صلح، آزادی، پیشرفت اجتماعی، و ساختن آینده بی بهتر برای هر دو ملت ایران و عراق، به تحکیم پیوندهای پیکارجویانه خود با حزب شما ادامه خواهند داد.

رفقای گرامی،

ما بار دیگر بر حمایت خود از آرمان های برحق مردم ایران برای صلح، دموکراسی، و حقوق بشر، تأکید می کنیم. همان طور که در بیانیه های همستگی بین المللی در سال های اخیر آمده است، و از سوی بسیاری از حزب های برادر امضا شده است، نسبت به ادامه نقض خشن حقوق بنیادی بشر و دموکراتیک و نیز

پیام های احزاب کارگری و کمونیستی جهان به ششمین کنگره حزب توده ایران

پیام حزب کمونیست آفریقای جنوبی



رفقا!

درودهای برادرانه ما از سوی حزب کمونیست آفریقای جنوبی را به مناسبت برگزاری کنگره تاریخی ششمین حزب توده ایران پذیرید.

ششمین کنگره حزب توده ایران در لحظه‌ی تاریخی برگزار می‌شود که برای کمونیست‌ها و نیروهای ترقی‌خواه جهان به‌طور کلی، هم فرصت‌ها و هم خطرهای زیادی به‌همراه دارد. بحران‌های پی‌درپی و ادامه دار نظام سرمایه‌داری چرخه‌های خطرناک و زیان‌باری از واکنش‌ها را به دنبال داشته است. این بحران‌ها به خطر نظامی‌گری، یک‌جانبه‌گرایی و تحریک‌هایی دامن زده است که هدف آن‌ها فرو بردن جهان در بحرانی است که به نظام غارتگر سرمایه‌داری این امکان و اجازه را خواهد داد که راه‌هایی را برای نجات و جان گرفتن دوباره خودش بیابد، و فرصت زندگی دوباره‌ی پیدا کند. اما مردم عادی در درون مرزهای ملی کشورهای گوناگون جهان، در برخورد با این واکنش‌ها دست روی دست نگذاشته‌اند، بلکه در هر گام و مرحله، دست به مبارزه‌ی پیروزمندانه زده‌اند.

منطقه خاورمیانه نیز از تأثیر این بحران‌ها در امان نبوده است. امپریالیسم و بحران‌های سرمایه‌داری، خود را به صورت‌های گوناگون نشان داده‌اند، و از راه‌های مختلف، اثرهای گوناگونی بر اوضاع سیاسی و اقتصادی گذارده‌اند. حزب توده ایران، که در تاریخ فعالیتش، همواره مبارزه در راه سوسیالیسم، صلح، ترقی، و گذار مترقیانه را در ایران به پیش برده است، چالش‌های این منطقه و شرایط ملی ایران را به‌خوبی درک می‌کند. حزب توده ایران در آستانه یک انقلاب، هم در ایران و هم در منطقه، ایستاده است و برای به پیش بردن این مبارزه اساسی در این منطقه دنیا، به بسیج برجسته‌ترین رهبران، هشیاری، و کاربرد عملی تئوری مارکسیسم-لنینیسم [در شرایط ایران] نیاز دارد.

حزب کمونیست آفریقای جنوبی، چالش‌های رویاروی حزب توده را درک می‌کند، و با آن حزب و رهبران و اعضای آن که در این مبارزه، هم در ایران و هم در تبعید، درگیرند، اعلام همبستگی می‌کند و به‌طور کامل از حزب توده ایران حمایت می‌کند.

به مناسبت برگزاری ششمین کنگره حزب توده ایران، حزب کمونیست آفریقای جنوبی همبستگی برادرانه خود را با شما در راه تحقق هدف‌های سوسیالیسم، صلح، دموکراسی، جدایی دین از حکومت (سکولاریسم)، و گذار مترقیانه به حکومتی که آرمان‌ها و آرزوهای مردم عادی، زحمتکشان، زنان و جوانان، شهرنشینان و روستائینان را در مرکز توجه خود قرار خواهد داد، اعلام می‌کند.

آینده از آن سوسیالیسم است.

چه ماتلهاکو

شعبه بین‌المللی حزب کمونیست آفریقای جنوبی

پیام حزب کمونیست یونان، به مناسبت برگزاری ششمین کنگره حزب توده ایران

رفقای گرامی،

درودهای گرم و رفیقانه کمونیست‌های یونان را تقدیم شما می‌کنیم، و آرزو مندیم که "کنگره ششم" حزب شما با موفقیت کامل برگزار شود. دو حزب ما سابقه همکاری و همبستگی طولانی‌ای با یکدیگر دارند؛ سنت‌های مشترکی در مبارزه قهرمانانه در راه حقوق طبقه کارگر و مردم دارند؛ و تجربه زیادی در مقاومت و پیکار در شرایط پیچیده خشن و بی‌رحمانه حکومت‌های بورژوازی و نیروهای سرمایه دارند. دو حزب ما تجربه گران‌بهایی دارند که در اوضاع و احوالی که در حال حاضر در منطقه ما در حال شکل‌گیری است، حائز اهمیت فراوانی است.

حزب کمونیست یونان موضع‌گیری‌ها، ارزیابی‌ها، و فعالیت‌های حزب شما را از نزدیک دنبال می‌کند. همچنین، ما رخدادهای کشور شما را دنبال می‌کنیم که نشان از شدیدتر و حادث شدن رقابت میان امپریالیست‌ها در این منطقه دارد، و حاکی از شدت گرفتن تضادهای میان بورژوازی در سطح کشور در شرایطی است که بحران سرمایه‌داری در حال عمیق‌تر شدن است.

ما همبستگی طبقاتی استوار خود را با کمونیست‌های ایران، با مبارزات طبقه کارگر و قشرهای مردمی کشور شما برای دفاع از حقوق اجتماعی و دموکراتیک خود، برای بازیابی حقوق سیاسی و سندیکایی، برای آزادی مبارزاتی که در راه تأمین حقوق زحمتکشان پیکار می‌کنند، و برای قانونی شدن فعالیت حزب توده و آزادی فعالیت سیاسی کمونیست‌ها، اعلام می‌کنیم.

حزب کمونیست یونان، در عین حال، هرگونه مداخله امپریالیستی در ایران را قاطعانه مردود و محکوم می‌داند. در صورت چنین مداخله‌ی، صرف‌نظر از آنکه بهانه آن چه باشد، آنچه هدف مداخله‌گران است، پیگیری اجرای نقشه "خاورمیانه بزرگ" به هزینه ملت‌های منطقه است. ما از حقوق مردم ایران برای تعیین سرنوشت کشور خود دفاع می‌کنیم.

رفقای گرامی،

کنگره حزب شما در زمانی برگزار می‌شود که به‌ویژه برای منطقه ما بسیار حیاتی و حساس است. خطر مناقشه‌های منطقه‌ای فراگیر، و حتی جنگی امپریالیستی و فراگیرتر در منطقه‌ی گسترده‌تر، رو به افزایش است. محورها و اتحادهای امپریالیستی در حال شکل گرفتن است. با دخالت و شرکت مستقیم یونان، زمین و امکان‌ها برای مداخله امپریالیستی‌ای فراگیر در منطقه تدارک دیده می‌شود. این در حالی است که رخدادهای سوریه در مرکز توجه آن‌ها قرار دارد و امکان حمله به ایران نیز وجود دارد که به قطعه قطعه شدن کشورهای منطقه، و بی‌ثباتی کشورها یکی از پس دیگری منجر خواهد شد. حاصل همه این‌ها، مداخله‌ها و جنگ‌های

ادامه در صفحه ۱۵

کمک های مالی رسیده

از کانادا به پاس کوشش برگزار کنندگان

۲۰۰ دلار

کنگره ششم حزب

۵۰ یورو

کمک به خانواده زندانیان سیاسی، آرمان از برلین

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس‌های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

- آدرس‌های پستی:
1. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
http://www.tudehpartyiran.org آدرس‌های اینترنتی و "ای-میل"
E-Mail: dabirkhaneh_hti@yahoo.de

Nameh Mardom No. 916
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

11 March 2013

شماره فاکس و تلفن
پیام گیر ما

۰۰۴۹۳۰
۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام حساب: Iran e.V.
بانک: Berliner Sparkasse
کد بانک: 100 500 00
شماره حساب: 790020580
IBAN: DE35 1005 0000
0790 0205 80
BIC: BELADEBEXXX